

رادیو مشده

پخش زنده ۲۴ ساعته برنامه های مسیحی

در خدمت فارسی زبانان عزیز

www.radiomojdeh.com

ماهواره

هات برد در ۱۳ درجه شرقی

کانال: ایکس بی ۱۳۰

فرکانس: ۱۱۱۱۶

عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۳/۴

Hotbird 6 at 13 East

Channel: XP130

Frequency: 11116

Vertical

Symbol Rate: 27500

FEC: 3/4



این خانم به مریدان خود همچنین سفارش کرده تا از حضور در قبرستانها خود داری کنند، چون این امکان طلسم شده است... خانمی بنام ف. رکه مدعی ارتباط با عالم

غیب است، قرائت ترجمه فارسی قرآن را در بر آورده شدن حاجات موثر می شمارد! طبق گزارش بی نقل از جهان، مریدان این زن پس از ختم فارسی قرآن و شرکت چند ماهه در جلسات ذکر گویی، شایستگی حضور در جلسات خصوصی را کسب میکنند. این خانم به مریدان خود همچنین سفارش کرده تا از حضور در قبرستانها خود داری کنند، چون این امکان طلسم شده است و موجب ورود انرژی منفی به بدن میشود. این گزارش حاکی است، زن ذکر اخیراً در ویلایی در لوس آنجلس مستقر شده و مریدانش با توبوس اختصاصی از رسالت به جلسات هفتگی وی میروند.

عیسی فرمود: زنهاری کسی شما را گمراه نکند! ...بسیا انبیا کذب ظاهر شده، بسیاری را گمراه کنند. ص ۱۱ و ۲۴



از کلیه هم زبانان گرامی دعوت میشود تا در جلسات عبادتی کلیسای ایرانیان در شهر آبلند که هر جمعه ساعت ۶:۳۰ عصر برقرار میباشد، شرکت نمایند.

شرکت برای عموم رایگان میباشد.

تلفن اطلاعات:

(۸۱۸) ۵۲۲-۱۵۲۵

Located: 295 E. 9th Street
Upland, CA 91786

Info@IRANforCHRIST.com

اگر مایل هستید که ماهنامه تبدیل را بطور مرتب و ماهانه دریافت کنید با دفتر ما تماس بگیرید. (۸۱۸) ۵۲۲-۱۵۲۵



هر چهارشنبه و پنجشنبه

در تلویزیون محبت

آدرس اینترنتی:

www.SimaMasih.com

www.Mohabat.tv

سال دوم، شماره ۲۴، اکتبر ۲۰۰۷

ما سنامه تبدیل

A CRY FROM IRAN
Bishop Haik Hovsepian
THE UNTOLD STORY OF IRANIAN CHRISTIAN MARTYRS
OCT .7th & 14th
ALEX THEATRE-7pm
a Documentary Film by:
Martyr Haik's Sons
WINNER BEST DOCUMENTARY
WINNER BEST DOCUMENTARY
WINNER BEST DOCUMENTARY
NOMINATED BEST DOCUMENTARY
www.acryfromiran.com

October 7 and 14 at 7pm
at the ALEX THEATRE

نمایش برای عموم در شهر گلندل

پسران کشیش هایک هوسپیان، داستان شهادت پدر خود را در فیلمی مستند بنام "فریادی از ایران" به تصویر کشیده اند.

ایران دسامبر ۱۹۹۳، مهدی دیباج یک مسیحی غیر تمند، که از اسلام به مسیحیت گرویده بود مدت ده سال را در زندان سپری کرده بود. ایشان از سوی یک دادگاه اسلامی ایران به اتهام ارتداد به مرگ محکوم شد. نسخه ای از حکم قتل دیباج بدست هایک هوسپیان، رهبر مسیحیان پروتستان ایران رسید. او به منظور لغو حکم صادره، شجاعانه اقدام به فعالتهای بین المللی گسترده ای نمود. در نتیجه تلاشهای کشیش هایک، مهدی دیباج تنها چند روز پیش از اجرای حکم اعدام از زندان آزاد شد.

اما بیایید باید پرداخته میشد...

اینست داستان نبرد یک شخص روحانی در راه حقوق بشر و آزادی مذهب.

مدیر کل دفتر امور بانوان استانداری تهران خواستار تشکیل شورایی ویژه با مشخص شدن اضطراری نهادهای پاسخگو



و متولی خاص برای رسیدگی فوری به بحران طلاق در استان تهران شد. با وجود آنکه همگان به وجود بحران طلاق در استان اذعان دارند ولی هنوز پاسخگو در این زمینه مشخص نشده و اقدام جدی نیز صورت نگرفته است. آمار طلاق در استان تهران ۱۰ برابر آمار کشوری است.

کلیسای ایرانیان ولی

شما را دعوت میکنیم تا هر یکشنبه ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر در جلسات عبادتی این کلیسا که شامل پرستش خداوند و شنیدن بیانات کتاب مقدس میباشد، شرکت فرمایید.

10210 Canoga Ave. Chatsworth, CA 91311
تلفن تماس: ۸۱۸-۸۳۲-۰۹۴۳

EXPERT ONE INSURANCE AGENCY

AUTO . HOME . LIFE . HEALTH BOAT PET . COMMERCIAL
BOND . BUSINESS . VEHICLE REGISTRATION

Tel: 818. 887. 2300
Fax: 818. 887. 2311
Cell: 818. 402. 8212
Toll-free: 877. 786. 6777

6007 1/2 FALLBROOK AVE. WOODLAND HILLS, CA 91367
BehnazGhiasi@hotmail.com www.expertoneins.com

Behnaz Ghiasi
President
Lic. # 0E04310

ERIC HAIRAPETIAN
The Real Estate Consultant You Can Count On!
CALL ERIC: 818.425.7921
With over 10 years experience
Commercial and Residential Real Estate

مسیح فرمود حتی را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد

خداوند بر ملت ما رحم کن و حقیقت را به آنها نشان ده!



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com



سرمقاله

یاران، در روزگاری زندگی میکنیم که تمامی خبرها حکایت زمانهای آخر میکنند؛ خودخواهی نسل حاضر، از بین رفتن محبت انسانها، رشد فحیح همجنس بازی، فحشا، سقط جنین، عیش و عشرت، بازگشت بسیاری از یهودیان به اسرائیل و بنای مجدد آن، جنگ و نبرد در بسیاری از کشورهای جهان، اخبار وقایع غیرمنتظره زلزله ها و طوفانها، سقوط هواپیماها، حتی بی تفاوتی و ولرم بودن کلیسا در عصر ما، تعالیم غلط، ادعای پیامبری از جانب افراد مختلف، تبشیر خبر خوش انجیل به طرز بسیار وسیع در سراسر دنیا، ایمان آوردن بسیاری از فارسی زبانان به مسیح... البته لازم به ذکر است که همه این اتفاقات توسط مسیح در انجیل پیشگویی شده است. وقوع این وقایع چیزهایی نیستند که امروزه بر ما پنهان باشند و همه آنها به ما متذکر میشوند که بازگشت مسیح بسیار نزدیک شده و صد البته بر در است.

اما هنوز این دعوت مسیح به قوت خود باقی است که میفرماید: **در در قلبت ایستاده میگویم، اگر باز کنی داخل شده، با تو شام خواهیم خورد** (مشارکت خواهم داشت). پس بیاید تا وقت هست کفاره مسیح را که دو هزار سال پیش بر صلیب جلجتا مهیا ساخت پذیریم و از او بخواهیم تا گناهان ما را با خون خود پاک سازد. از خداوند بخواهیم وارد قلب ما شده، عنان زندگی ما را بدستان خود بگیرد. **امروز روز نجات است.**

لس آنجلس اکتبر ۲۰۰۷،
التان باغستانی

ماهنامه تبدیل

The Change

مدیر مسئول: التان باغستانی

ویراستار: ع. راد

ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

Iran for Christ Ministries

P. O. Box 371043 Reseda
CA, 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی ها را چاپ کرده و یا رد کند.
We have the right to refuse publishing.

داستان عقاب...



عمر عقاب از همه پرندگان نوع خود طولانی تر است. عقاب میتواند تا ۷۰ سال زندگی کند. ولی برای اینکه به این سن برسد باید تصمیم دشواری بگیرد.

زمانیکه عقاب به ۴۰ سالگی میرسد: جنگالهای بلند و انعطاف پذیرش دیگر نمیتوانند طعمه را گرفته و نگاه دارند. نوک بلند و تیزش خمیده و کند میشود. شهابالهای کهنسالش بر اثر کلفت شدن پرها به سینه اش میچسبند و پرواز برای عقاب دشوار میگردد. در این هنگام، عقاب تنها دو گزینه در پیش روی دارد. یا باید بمیرد و یا آن که فرایند دردناکی را که ۱۵۰ روز به درازا میکشد پذیرا گردد. برای گذرانیدن این فرایند، عقاب باید به نوک کوهی که در آنجا آشیانه دارد پرواز کند. در آنجا عقاب نوک خود را آن قدر به سنگ میکوبد تا نوکش از جای کنده شود. پس از کنده شدن نوکش، عقاب باید صبر کند تا نوک تازه ای در جای نوک کهنه رشد کند، سپس باید جنگالهایش را از جای بر کند. زمانیکه بجای جنگالهای کنده شده، جنگالهای تازه ای در آید آن وقت عقاب شروع به کندن همه پرهای قدیمی اش میکند. سرانجام، پس از ۵ ماه عقاب پروازی را که تولد دوباره نام دارد، آغاز کرده... و ۳۰ سال دیگر زندگی میکند. چرا این دگرگونی ضروری است؟ بیشتر وقتها برای بقا، ما باید فرایند دگرگونی را آغاز کنیم. گاهی وقتها باید از خاطرات قدیمی، عاداتهای کهنه و سنتهای گذشته رها شویم. تنها زمانی که از سنگینی بارهای گذشته آزاد شویم میتوانیم از فرصتهای زمان حال بهره مند گردیم.

در رویاهایم دیدم

که با خداوند گفتگو میکنم. او پرسید: پس تو میخواهی با من گفتگو کنی؟ در پاسخ او گفتم: اگر وقت دارد. او خندید: وقت من بیهیاست است. در ذهن خود چیست که میخواهی از من بپرسی؟ پرسیدم: چه چیز بشر شما را متعجب میکند؟ او پاسخ داد: ... کودکی شان، اینکه آنها از کودکی خود خسته میشوند و عجله دارند که بزرگ شوند، و بعد دوباره پس از مدتها، آرزو میکنند که کودک باشند و آنها سلامتی خود را به خطری می اندازند تا پول بدست آورند، و بعد پولشان را از دست میدهند تا دوباره سلامتی خود را به دست آورند. اینکه با اضطراب به آینده میگردند و حال را فراموش میکنند، و بنابراین نه در حال زندگی میکنند و نه در آینده. اینکه آنها به گونه ای زندگی میکنند که گویی هرگز نمیمرند، و به گونه ای میمیرند که گویی هرگز زندگی نکرده اند. دستهای خدا دستام را گرفت. برای مدتی سکوت کردم. و من دوباره پرسیدم: بعنوان یک پدر، میخواهی کدامین درسهای زندگی را فرزندان خود بیاموزند؟ او گفت: بیاموزند که آنها نمیتوانند کسی را وادار کنند تا عاشقشان باشد، همه کاری که آنها میتوانند بکنند این است که اجازه دهند که خودشان دوست داشته باشند.

.... بیاموزند که درست نیست که خودشان را با دیگران مقایسه کنند. بیاموزند که فقط چند ثانیه طول میکشد تا زخمهای عمیقی در قلب آنان که دوستشان داریم، ایجاد کنیم، اما سالها طول میکشد تا آن زخمها را التیام بخشیم. و ثروتمند کسی نیست که بیشترین را دارد، کسی است که به کمترینها نیاز دارد. بیاموزند که آدمهایی هستند که آنها را دوست دارند، فقط نمیدانند که چگونه احساساتشان را نشان دهند. و اینکه دو نفر میتوانند با هم به یک نقطه نگاه کنند، و آن را متفاوت ببینند. کافی نیست فقط آنها دیگران را ببخشند، بلکه آنها باید خود را نیز ببخشند. من با خضوع گفتم: از شما بخاطر این گفتگو متشکرم. آیا چیز دیگری هست که دوست دارید فرزندانتان بدانند؟ خداوند لبخند زد و گفت: فقط اینکه بدانند، من هستم.

تصویری اشتباه

روزی پلنگی وحشی به دهکده حمله کرده بود. بونگا، همراه با تعدادی از جوانان برای شکار پلنگ به جنگل اطراف دهکده رفتند. اما پلنگ خودش را نشان نمیداد و دائم از تله شکار چپان میگریخت. سرانجام هوا تاریک شد و یکی از جوانان دهکده با اظهار اینکه پلنگ دارای قدرت



جادویی است و مقصود آنها را حدس میزند خودش را ترسانند و ترس شدیدی را بر تیم حاکم کرد. بونگا با خوشحالی گفت که زمان شکار پلنگ فرا رسیده است و امشب حتماً پلنگ خودش را نشان میدهد. از قضا پلنگ همان شب خودش را به گروه شکار چپان نشان داد و با زخمی کردن جوانی که به شدت میترسید، سرانجام با تیرهای بقیه از پا افتاد. یکی از جوانان از بونگا پرسید: "چه چیزی باعث شد شما ظاهر شدن پلنگ را پیش بینی کنید؟ در حالی که شهبای قبل چنین چیزی نمیگفتید؟" بونگا گفت: "ترس جوان باور او که پلنگ دارای قدرت جادویی است باعث شد پلنگ احساس قدرت کند و خود را شکست ناپذیر حس کنند. این ترس ها و باورهای ترس آور و فلج کننده ما هستند که باعث قدرت گرفتن زورگویان و قدرت طلبان میشوند. پلنگ اگر میدانست که در تیم شکار چپان کسانی حضور دارند که از او نمی ترسند هرگز خودش را نشان نمیداد!"

اینک بردار ایستاده می گویم
اگر کسی آواز مرا بشنود در بارانند
بزند او در خواستم آمد
وباوی شام خواهم خورد
واو نیز با من



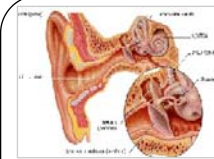
کلیسای ایرانیان راه عیسا مسیح

برنامه نیایش و تدریس کتاب مقدس
چهارشنبه ها ساعت ۷ بعد از ظهر و
یکشنبه ها ساعت ۱۲ ظهر
کلیسای باپتست دوم،
هوستون، تگزاس
تلفن اطلاعات: ۶۰۸۵ - ۴۱۰ (۷۱۳)

حمایت مالی شما از ماهنامه تبدیل باعث رشد آن خواهد شد.



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA



ضررهای دمیدن دود سیگار و سوخته تریاک در گوش، خیلی بیشتر از منافع احتمالی آن است. درد گوش میتواند به علت تورم، التهاب، عفونت، پاره شدن، جسم خارجی، شینین صدای خیلی بلند و با تحریک گیرنده‌های درد قسمتهای مختلف گوش ایجاد شود. درمان درد گوش باید با توجه به عامل ایجاد کننده درد، انجام پذیرد و صرفاً اقدام جهت از بین بردن درد بدون بررسی علت اصلی آن از نظر علم پزشکی مردود است. البته سیگار با داشتن نیکوتین در ترکیب خود، باعث تحریک گیرنده‌های نیکوتینی شده و تا حدی درد را کاهش میدهد و همچنین تریاک که یک مخدر قوی است، کاهش دهنده درد است. در نتیجه حتی با نادیده گرفتن این مورد که دمیدن دود در گوش، ممکن است منجر به آسیب پرده گوش شود، با به کار بردن آنها درمان علامتی انجام داده‌ایم که بدون بررسی و کشف علت اصلی غیر قابل قبول است. چون با از بین بردن درد؛ که یکی از نشانه‌های مهم هر بیماری است. شائبه بهبود بیماری به وجود می آید که به عدم پیگیری مشکل اصلی و پیشرفت آن منجر می شود. باید توجه داشت که سوخته تریاک نیز مانند اکثر مواد مخدر دیگر اعتیاد آور است. البته این ادعا وجود دارد که بعد از بهبود، مصرف تریاک نیز قطع میشود، در صورتی که فرد به طرف اعتیاد سوق داده میشود.

تمام راهها به بن بست رسیده بود و کسی بود! در آن زمان خانه مان به قیمت بسیار عالی رفع مشکلات من شده بود، باعث ایمان من نمیتوانست مرا کمک کند! گویا حتی خدا ما را فروخته شد، سر و سامان گرفتن زندگیمان به مسیح بعنوان نجات دهنده نبود، لذا برای فراموش کرده بود!

با توجه به اینکه این همه نذر و نیاز به درگاه خدا در مکانهای مذهبی کرده بودم، هیچ تشکریبه خدا نذر کرده بودم، در مکانهای جوابی حاصل نشده بود. یکبار به وجود خدا مذهبی ادا کنم، و از آنجائیکه من وعده این پس از حدود ۲ ماه مطالعه شبانه روزی و شک کردم که آیا خدا وجود دارد؟ و اگر او معجزه را از مسیح گرفته بودم، توسط یکی بررسی کتب اسلامی و مسیحی به این نتیجه هست. چرا جواب دعاها را نمیدهد و از دوستان مسیحی به کلیسائی در تهران رفتم رسیدم که برای کسب حقیقت تمام تفکر من در این لحظه بود که تصمیم عجیبی در افکارم تا هدیه ای را که در نظر داشتم بخدا بپردازم. اما وقتی کشش آن کلیسا از من پرسید؛ آیا رفتار من متمرکز سازم، حاصل آن پی بردن تمام مشکلات حل شده است، در جواب به بی نظیر بودن ایشان در بین مردان بزرگ ماجرای بیماری دخترم را برایش گفتم و جهان و حتی انبیاء بود. امانیتوانستم آنگونه ایسان برای او دعا کرد. همان شب بود که که انجیل او را معرفی میکند پذیرم، و این دیر شود، خود را به من نشان بده. ناگهان در خواب دیدم که دخترم تشنج گرفته معمای روح و اندیشه من گذشته بود، یکشب بعد از این جمله من، شخصی را با ردا و است و من او را روی دستمان به سمت جلو که در این افکار غرق بودم، زانو زدم و با اشک موهای نسبتاً بلند در مقابل خود دیدم که خود گفتم و گفتم؛ یا مسیح تو خودت گفتی او و التماس از خدا خواستار درک آنچه حقیقت را مسیح معرفی کرده و به من گفت؛ مشکلات گفتم و گفتم؛ یا مسیح تو خودت گفتی او و التماس از خدا خواستار درک آنچه حقیقت چیست؟ در آن لحظه آرامش خاصی پیدا کردم، گویا هیچ چیز عجیبی اتفاق نیفتاده بود، تمام مشکلات شغلی و بیماری دخترم بر اثر تشنج، کج و دندانه‌هایش به هم فشرده بود، برای او گفتم و او این وعده را داد که تمام آنچه را که گفتم، اجابت خواهد شد، و را شنیدم که بمن گفت: دخترت شفا یافته ناگهان خود را ایستاده در اطراف تنها یافتم و است. ناگهان از خواب بیدار شدم و بلافاصله هیچ نمیدانستم که چه اتفاقی افتاده است. آیا به باین دخترم رفتم و شروع به دعا کردن خواب بودم یا بیدار، اما وجودم تسلی مخصوصی پیدا کرده بود و قوتی تازه برای امید به آینده در من ایجاد شده بود که به هیچ وجه قابل توصیف نیست. من که تا به آن زمان از کسی درباره مسیح نشنیده بودم و یا این اتفاق نیفتاد و او را در آرامش مخصوصی کلامی از انجیل را نخوانده بودم دیدن این رویا برایم خیلی عجیب بود، آن شب پس از مدتها تنها شبی بود که توانستم با آرامش و بدون فکر و خیال بخوابم. فردای آن روز با زنگ تلفن از خواب بیدار شدم با توجه به اینکه مدتها بود از خواب بیدار شدم با تلفن را جواب نمیدادم، آن روز با آسودگی خاطر تلفن را برداشتم. یکی از طلبکارهایی بود که میگفت؛ من برای دریافت پولم تصمیم گرفتم خانه ات را بخرم و یک بنگاهی می آورم و هر قیمتی را پیشنهاد کند، آن را میخرم! تصورم این بود که مجبور میشوم که خانه را زیر قیمت بازار بفروشم. اما مبلغ پیشنهادی ایشان از طرف بنگاهی باور نکردنی

خواننده گرامی، مطلبی را که میخواهید شرح زندگی آقای رسول است که ۴۴ سال پیش در شهر قم و در خانواده ای معتقد و مذهبی بدنیا آمد. ایشان چگونه آشنا شدن خود را با مسیح و اینکه چگونه مسیح زندگی شان را تبدیل کرد را به مختصر برای خوانندگان ما توضیح داده اند.

رسول: بافت اسلامی شهر قم و خانواده مذهبی من تأثیر بسزایی در شکل گیری افکار عمیق اسلامی و باورهای مذهبی من داشت. علاوه بر آن بواسطه دوستانم با فعالیت‌های سیاسی آشنا شدم و لذا با افکار سیاسی رشد کردم. و یقین من به حقیقت تعلیمات اسلام، و بطور مصمم مرا بر این باور آورده بود که دین اسلام تنها راه نجات بشریت است و چهارچوب شریعت اسلام مبانیست اساس زندگی انسان باشد، لذا تعصب من نسبت به این باور از من یک فرد غیور و متعصب مذهبی ساخته بود، تا اینکه زندگی من دچار چالشهای متعددی شد و من با حقیقت راستی آشنا شدم.

پس از ازدواج صاحب دختری شدم که از سن ۲ سالگی تا ۷ سالگی دچار تشنج میشد و به توصیه پزشکان معالج، تنها راه علاج او مصرف داروهای تجویز شده و آنهم بطور پیوسته و همیشگی میبود که هیچکدام از آنها امید بهبودی را به ما نمیداد. البته برای شفای فرزندانمان به هر مکان زیارتی اسلامی که دسترسی داشتیم، متصل شدیم. اما متأسفانه هرگز نه شفا حاصل شد و نه آرامش.



این مورد ادامه داشت تا اینکه در بهمن ۱۳۷۵ بعلت ورشکستگی کاری، دچار مشکلات اقتصادی شدم، که مجبور بودم برای رهایی از آن شرایط، منزلمان را که در آن ساکن بودیم بفروشم. اما چون بازار خرید و فروش ملک در آن زمان مساعد نبود مجبور شدم پول نزول کنم که متأسفانه به زمان پرداخت که میرسید توان پرداخت آن را نداشتم. بالاخره در یکی از آن روزها، وقتی در منزل تنها بودم و فکر میکردم از خود پرسیدم؛ پایان این ماجرا چه میشود؟ گویا

مسیح خداوند اینک بر در ایستاده و میگوید تا جویندگان حقیقت از هر شک و دودلی و ترس و افسردگی، بیماری و غم آزاد سازد.

عبور کرد، و این صدا را قوی در دل خود شنیدم که خداوند گفت: مسیح، چون به شکل من سخن گفت و عمل کرد پسر من میباشد. بعد از این اتفاق هر تعصبی و هر شکی نسبت به مسیح و انجیل که تا آن زمان مانع ایمان من شده بود، فرو نشست و بر من روشن شد که مسیح پسر روحانی خدا میباشد و بدین صورت قلب خود را به مسیح سپردم. امروز ایمان من و خانواده ام به مسیح دلپوش فقط شفای دخترمان نیست، هر چند انگیزه ای برای کشف محبت عظیم خدا بر ما بود، بلکه اعتمادی که از نجات و رهایی از گناه و درک محبت خدا توسط روح پاک خدا بر ما آشکار گردید باعث ایمان حقیقی ما به خدای حقیقی و کلام حقیقی او، تورات و انجیل شد. پس از گذشت سالها مادر بركات حیاتبخش او که اراده اش میباشد در خدمت ما به او که شایسته است زندگی میکنیم و این مژده نجاتبخش ابدی نه بر شخص و نه بر قومی و نه بر ملتی بلکه برای تمام بشریت میباشد.

به نام عیسی، امت ها امید خواهند داشت.
اگر تا امید و خسته و یا به انتظار شفای الهی هستید، خادمین ما اینجا هستند برای مشورت و همراهی با شما.
رسول حیدری
خادم کلیسای ایرانیان زولی
Valley Iranian Church
Rasoul Heidari
"Minister"
(818)-201-8602
10210 Canoga Ave. Chatsworth, California 91311

ازدواجی که بخاطر پول صورت گیرد، برای پول هم از بین میرود. (رولاند)

afghansearch.com
Your Search Ends Here...



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

کلیسای انجیلی

با گسترش تهران در سال ۱۲۸۴ هـ ق آرامنه تهران از کلیسای کوچک دروازه قزوین که در سال ۱۸۷۶ م توسط یک مبشر تأسیس شده بود، تغییر مکان دادند و در منطقه حسن آباد، کلیسای انجیلی کنونی توسط مسیون آمریکاییها بنا شد. در سال ۱۸۷۴ م این کلیسا با وسعت بیشتر، و مدرسه آمریکاییها در آن شروع به کار کرد. مدرسه در سال ۱۳۱۹ شمسی به امر پهلوی اول بسته و تأسیسات فرهنگی آن به وزارت فرهنگ ایران واگذار شد. برای تأمین آب مورد نیاز باغ و کلیسای انجیلی که در خیابان سی تیر واقع است، برای اولین بار در ایران چاه آرتریز حفر شد. این باغ و کلیسا امروزه به صورت مترو که باقی است، از دیگر کلیساهای تهران باید از کلیسای حضرت مریم، کلیسای سورپ تارگمانچاس در وحیدیه، سورپ وارطان حشمتیه، سورپ گریگور لوساوربیچ مجیدیه و میناس مقدس در قریه ونک نام برد.



کریستال یا شیشه

میزان ابتلاء به اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ایران بالاست. با وجود اقدامات مختلف قانونی و نظامی برای کنترل مواد مخدر در ایران متأسفانه روند مصرف مواد مخدر در بین جوانان شیوع داشته، به ویژه

افزایش مصرف مواد مخدر جدید از مشکلات فعلی میباشد. یکی از مواد مخدر خطرناک که اخیراً بین جوانان شایع شده، شیشه است این ماده به عنوان محرک (نه مخدر) در مجالس رقص و مراکز فساد در کشورهای

انگلیس و استرالیا بین جوانان رواج دارد. ترکیب اصلی این ماده از آمفتامین گرفته شده که یک ماده محرک و اعتیاد آور است و مغز و سیستم عصبی را به شدت تحریک میکند و از نظر شیمیایی اثر آن از آمفتامین بیشتر است. این مواد در لابراتوارهای غیرقانونی ساخته میشود و اسامی خیابانی مثل: کریستال، یخ، و شیشه دارند. این ماده توهم زایی و اثرات محرک را باهم ایجاد میکند. Methamphetamine وقتی وارد سیستم عصبی مرکزی CNS میشود، باعث آزاد شدن ناگهانی واسطه شیمیایی دوپامین از مغز میشود که باعث تحریک سلولهای مغزی و افزایش خلق و خو و حالت تهاجمی و غیر قابل کنترل و افزایش حرکات جسمی میشود. که در صورت ادامه مصرف بعد از مدت طولانی علائم بدخلقی و افسردگی و علائم اختلال حرکتی مثل پارکینسون در فرد ظاهر میشود. این ماده به صورت داخل بینی و خوراکی و داخل رگ و کشیدنی مصرف میشود و بلافاصله بعد از مصرف حالتی به نام rush یا flash در فرد ایجاد میگردد و افراد به سرعت اعتیاد پیدا میکنند و مجبورند هر روز مقدار مصرف را زیاد کنند. مصرف این ماده میتواند باعث کاهش اشتها برای روزها، افزایش تعداد تنفس، افزایش فعالیت فیزیکی، افزایش دمای بدن و تحریک پذیری و بی خوابی گیجی، لرزش و تشنج، اضطراب و بدبینی و خشونت را سبب شود. که تشنج و افزایش زیاد دمای بدن باعث مرگ افراد میگردد. همچنین با صدمه روی عروق باعث سکنه های مغزی و قلبی میگردد. یکی از عوارض روانی آن ایجاد بیماری روانی شبیه اسکیزوفرنی است شامل توهمات بینایی و شنوایی و بدبینی و پرخاشگری است. مصرف این ماده به تدریج در بین حیوانات افزایش دارد طبق بررسی در سال ۲۰۰۴ میلادی در ایالات متحده آمریکا ۶.۲٪ از دانش آموزان دبیرستانی حداقل یکبار مصرف شیشه را تجربه کرده اند. متأسفانه افراز شیشه تبلیغ این ماده را در ایران با عنوان نشه آور ولی بدون اعتیاد عنوان میکنند ولی این طور نیست و علاوه بر اعتیاد میتواند مرگ آور باشد. اطلاع رسانی و معرفی صدمات جسمانی و روانی جدی این ماده از طریق رسانه های عمومی میتواند از گسترش مصرف این ماده خطرناک جلوگیری نماید.

برای دریافت هر گونه کمک با ما با شماره تلفن ۱۵۲۵-۵۲۲-۸۱۸ تماس حاصل نمایید.



میخها در دست من ممکن است، یک قفس مرغانی درست کنند. میخها در دست عیسی مسیح تمام دنیا را به رستگاری میرساند.

بستگی دارد میخها در دست چه کسی باشند.

Nails in my hands might produce a birdhouse. Nails in Jesus Christ's hands will produce salvation for the entire world. It depends whose hands it's in.

مرد دیر وقت، خسته از کار به خانه برگشت. دم در ۵ ساله اش را دید که در انتظار او بود: سلام بابا! یک سوال از شما پرسم؟ بله حتماً چه سوالی؟ بابا! شما برای ه ساعت کار چقدر پول میگیرید؟ مرد با ناراحتی پاسخ داد این به تو ارتباطی ندارد. چرا چنین سوالی میکنی؟ فقط میخواهم بدانم. اگر باید بدانی بسیار خوب میگویم: ۲۰ دلار! پسر کوچک در حالیکه سرش پائین بود آه کشید. بعد به مرد نگاه کرد و گفت: میشود به من ۱۰ دلار قرض بدهید؟ مرد عصبانی شد و گفت اگر دلیلت برای پرسیدن



این سوال فقط این بود که پولی برای خریدن یک اسباب بازی مزخرف از من بگیری کاملاً در اشتباهی. سریع به اطاعت برگرد. من هر روز سخت کار میکنم و برای چنین رفتارهای کودکانه وقت ندارم. پسر آرام به اطاعت رفت و در را بست.

مرد با زهم عصبانی تر شد: چطور به خود اجازه میدهم فقط برای گرفتن پول از من چنین سوالاتی کند؟ بعد از حدود یک ساعت مرد آرام تر شد و فکر کرد که پاپش خیلی تند و خشن رفتار کرده شاید واقعاً چیزی بوده که او برای خریدنش به ۱۰ دلار نیاز داشته است. به خصوص اینکه خیلی کم پیش میآمد که پسر از پدرش درخواست پول کند. مرد به سمت اتاق پسر رفت و در را باز کرد. خوابی پرسم؟ نه پدر، بیدارم. من فکر کردم که شاید با تو خشن رفتار کرده ام. امروز کارم سخت و طولانی بود و همه ناراحتیهایم را سر تو خالی کردم. یا این ۱۰ دلاری که خواسته بودی. پسر خندید، و فریاد زد: متشکرم بابا! سپس دستش را زیر بالش برد و چند اسکناس مچاله شده در آورد. مرد وقتی دید پسر پول داشته، دوباره عصبانی شد و با ناراحتی گفت: چرا درخواست پول کردی؟ برای اینکه پولم کافی نبود، ولی من حالا ۲۰ دلار دارم. میتوانم یک ساعت از کار شما را بخرم تا فردا زودتر به خانه بیایید؟ من شام خوردن با شما را خیلی دوست دارم!



محققان دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، طی پژوهشهای اخیر خود بر روی مغز افراد مختلف، به نتیجه جالبی در خصوص عملکرد مغزی اشخاص دروغگو و افراد راستگو دست یافتند. به گزارشی به نقل از نشریه انگلیسی زبان

psychiatry ساختار مغزی افراد دروغگو و متقلب که به صورت عادت این رفتارهای ضد اجتماعی را از خود بروز می دهند، با افراد راستگو بسیار متفاوت است.



به عقیده پژوهشگران قسمت قدامی مغز - کورتکس که اعمال نظیر رفتارهای درونی را در اختیار و کنترل دارد، در افراد مختلف متفاوت عمل میکند. از این روست که پژوهشگران و روان شناسان در درمان این بیماری هنجاری، در ابتدا باید در چگونگی درمان کورتکس و جلوگیری از به وجود آمدن تغییرات ضد اجتماعی و اخلاقی توجه کنند. همچنین بر اساس یافته های اخیر روان شناسان، افراد دروغگو در دست جلوه دادن حرف و یا عمل دروغ خود، بسیار خونسرد عمل کرده و به راحتی صحبت می کنند. به طوریکه بدون هیچ سردرگمی و دست پاچگی حرف خود را به اثبات هم می رسانند و در این کار بسیار نترس و بی باک هستند. علاوه بر موارد ذکر شده مشاهده شده است که در اثبات کلام خود، به تمارض نیز دست میزنند. در تحقیقات انجام شده، مشخص شده است که قسمت سفید مغز این افراد از قسمت خاکستری آنها بیشتر است که قسمت سفید رنگ در گفتن دروغ و پیوند جملات واقعی جلوه دادن آنها بسیار موثر عمل می کند. به همین دلیل است که پژوهشگران در تلاشند تا با مورد مطالعه قرار دادن قسمتهای مغزی، راه درمانی برای این رفتارها بیابند.

کلیسای سفیران مسیح

از شما فارسی زبانان عزیز دعوت به عمل میآورد تا در جلسات عبادتی این کلیسا که هر یکشنبه ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر برگزار میگردد حضور بهم رسانید.

21300 Califa St. (between De Soto & Ganoga)
Woodland Hills, CA 91367

تلفن اطلاعات: ۱۵۲۵-۵۲۲ (۸۱۸)

تا قبل از کشف طومارهای غار کومران که به طومارهای بحرالمیت Dead Sea Scrolls هم موسوم میباشند، قدیمیترین نسخه خطی عهدعتیق به زبان عبری، متعلق به سال ۹۰۰ بعد از میلاد مسیح بود ولی با کشف این طومارها که در سال ۶۸ میلادی در قلمرو امپراتوری روم کشف شد تغییر یافت. در حال حاضر بیش از ۲۰۰۰ نسخه خطی از عهد جدید در موزیمها موجود دارد. بعد از کتاب مقدس که تعداد نسخ خطی موجود آن بیش از هر کتاب دیگری است. بهنام دوم از آن کتاب/تبیان خطامنه معروف هومر یونانی است که فقط ۴۳ نسخه از آن در موزه های دنیا باقی مانده است. نسخه هایی از ULGATE که به زبان لاتین که در موزه های جهان وجود دارند بالغ بر ۸۰۰ نسخه اصل است و ۵۰۰۰ نسخه خطی دیگر به زبان یونانی وجود دارد. در مورد هیچ کتاب دیگری فاصله زمانی بین زمان نگارش تا اولین نسخه خطی (نسخه چاپی) و قدیمیترین نسخه موجود به اندازه کتاب مقدس که تا به حال ۱۰۰۰ سال فاصله زمانی بین اولین نسخه خطی و قدیمیترین نسخه موجود آن متعلق به قرن چهارم میلادی است به عبارت دیگر فاصله زمانی بین اولین نسخه خطی و قدیمیترین نسخه موجود فقط ۲۵۰ الی ۳۰۰ سال میباشد، در صورتیکه فاصله مزبور در مورد کتابهای دیگر خیلی بیشتر است. نویسنده: دکتر ش. داوید پیرا

سال دوم شماره ۲۴ اکتبر ۲۰۰۷

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

تفاوت بین خانمها و آقایان

ستون پندیده

خوروبان: یک خانم لیستی از جنسهای مورد نیازش را تهیه نموده و برای خریدن آنها به فروشگاه میروید. ولی یک مرد آتقدر صبر میکند تا محتویات یخچال ته بکشد و سیب زمینیها جوانه بزنند. آنگاه بسراغ خرید میروید. او هر چیزی را که خوب بنظر برسد میخرد. بیرون رفتن: وقتی مردی میگوید که برای بیرون رفتن حاضر است، یعنی برای بیرون رفتن حاضر است. زنی میگوید که برای بیرون رفتن حاضر است، یعنی ۴ ساعت بعد وقتی آرایشش تمام شد، آماده خواهد بود.

هتلی برای مردن
وقتی کسی به هتل موکسی در هووان هند میرود، دو هفته مهلت دارد بمیرد و اگر نه کاملاً محترمانه از او میخوانند این محل را ترک کند. به گزارش رویترز، این میهمان سرا که در کنار رود گنگ در شهر وارانسی هند قرار دارد آخرین ایستگاه افراد مسن هندو به شمار میروید که در نزدیکی آن روزانه صدها نفر پس از مرگ بنا بر عقاید این گروه، در آتش سوزانده میشوند. *بارواناس شوکلا*، مدیر این هتل گفت: مانند جاهایی که افراد برای تولد جشن میگیرند، ما نیز برای مرگ جشن میگیریم. هندوها اعتقاد دارند مرگ در وارانسی و پخش خاکستر باقیمانده از سوزاندن جنازه مردگان در رود گنگ باعث میشود روح آنها زودتر آزاد شود. میهمان سرای مردگان ۱۲ اتاق بدون وسیله دارد که ۱۰۰ سال قبل بنا گذاشته شده است.

خشونت علیه زنان در ایران

با توجه به رشد هراسه آسیبهای اجتماعی در ایران به نظر میرسد که دولت باید در زمینه فساد و فحشا، طلاق و افزایش سن ازدواج در جامعه به خصوص در مورد زنان چاره اندیشی کند.

به گزارش ناهید رام پناهی، مدیر مرکز اطلاعات و آمار زنان وابسته به شورای فرهنگی اجتماعی زنان دیروز با بیان این مطلب در نشست مطبوعاتی گزارشی مستند از تغییرات شاخصهای آماری وضعیت زنان در ایران طی سه دهه گذشته ارائه کرد و گفت: در مورد آسیبهای اجتماعی زنان در جامعه آمار دقیقی در دست نیست. اما طبق آمار سال جاری شورای فرهنگی، اجتماعی زنان و آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۷۵ تعداد زنان دستگیر شده جرایم مختلف در سال ۱۳۸۳، ۳۳۰۶ نفر گزارش شده است که این رقم نسبت به سال ۷۵، ۳/۶۲ درصد کاهش داشته است. همچنین تعداد ورودی زنان زندانی جرایم مختلف در سال، ۱۳۸۰ بیست و نه هزار و چهارصد و چهل و هشت نفر گزارش شده است که این رقم نسبت به ده سال پیش ۵/۱۷۴ درصد افزایش داشته است. او تأکید کرد: نسبت طلاق به ازدواج در سال گذشته ۸/۱۰ درصد گزارش شده و تغییرات این شاخص نسبت به سال ۹۷/۲۰۷۵ درصد افزایش داشته است. وی با اشاره به اینکه آمار سایر آسیبهای اجتماعی محرمانه است، اظهار داشت: در ارتباط با بحث آسیبهای اجتماعی زنان دولت و مسؤولان فرهنگی، اجتماعی باید مسائل مربوط به فساد و فحشا، طلاق و افزایش سن ازدواج در زنان را جدی بگیرند. وی تأکید کرد: طبق تحقیقات انجام شده خشونت اجتماعی علیه زنان به خصوص در شهر تهران در برابر خشونت خانگی در حال افزایش است. وی با اشاره به اینکه جمعیت زنان در سال ۸۲ سی و سه میلیون نفر برآورد شده است، اظهار داشت: نرخ رشد جمعیت زنان طی دهه گذشته برابر ۵۶/۱ درصد به سه دهه گذشته برابر ۶۳/۲ درصد بوده است. هرم سنی جمعیت در سال ۱۳۸۳ نشان میدهد که ۵۳/۲۸ درصد جمعیت زنان زیر ۱۵ سال و ۹۶/۵۴ درصد جمعیت زنان زیر ۲۵ سال قرار داشته اند.

آشنایی با شخصیتها و اسامی در کتاب مقدس

داور؛ این عنوان مربوط به یکی از عملکردهای پادشاه و یا حاکم بوده است (اشعیا ۲۲:۳۳؛ پیدایش ۱۸:۲۵؛ اعمال ۱۰:۴۲؛ دوم تیموتائوس ۴:۸).

اشعیا ۲۲:۳؛ زیرا خدانود داور ما است. خدانود شریعت دهنده ما است. خدانود پادشاه ما است پس ما را نجات خواهد داد.

پیدایش ۱۸:۲۵؛ حاشا از تو که مثل این کار بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی و عادل و شریر مساوی باشند. حاشا از تو! آیا داور تمام جهان، انصاف نخواهد کرد؟

اعمال ۱۰:۴۲؛ و ما را مأمور فرمود که به قوم موعظه و شهادت دهیم بدین که خدا او را مقرر فرمود تا داور زندگان و مردگان باشد.

دوم تیموتائوس ۴:۸؛ بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خدانود داور عادل در آن روز به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می دارند.

خواننده گرامی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای خصوص دارید؟ تیم دعای ما در ماهنامه تبدیل آماده خدمت به شما می باشد. از شما خواهشمندیم مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)
Email: Prayer@iranforchrist.com
آدرس پستی:
P. O. Box: 371043
Reseda, CA 91337 USA

سخنرانی در جمع

مخاطبین خود را بشناسید.

اگر در مقابل مدیران ارشد یک شرکت در مورد راه کارهای تجاری صحبت میکنید، باید نسبت به زمانیکه برای یک عده دانشجو که ترم اول اقتصاد را می گذرانند، روش بسیار متفاوتی را در پیش بگیرید. باید میزان سطح معلومات مخاطبین خود را سنجیده و مطابق با آن صحبت کنید. به هر حال آنها آماده اند تا سخنان شما را بشنوند بنابراین گفته های شما باید برایشان قابل فهم باشد.

به تازگی یک کافه در شرق چین افتتاح شده که افراد برای گریه کردن به آنجا هزینه رفتن و گریه کردن و استفاده از نوشیدنیهای موجود در کافه شش دلار (معادل ۵۰ یوان) است. این کافه همچنین برای کاهش درد مراجعان خود، دستمال و روغن نعناع در اختیار آنها قرار میدهد. ارائه پیاز و فلفل قرمز برای کسانی که دوست دارند گریه کنند از دیگر خدمات کافه مذکور بشمار میرود. در این کافه به منظور فراهم شدن محیطی عاطفی و احساسی، موسیقی نیز نواخته میشود. مسولان کافه گفتند روزانه تعداد بیشماری از علاقمندان به کافه میآیند و استقبال از ما بی نظیر بوده است.

www.SimaMasih.com

کافه ای برای گریه کردن



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

زخم زبان؛ روزی پسر بچه شرووری بود که دیگران را با سخنان زشتش خیلی ناراحت میکرد. روزی پدرش جعبه‌ای پراز میخ به پسر داد و به او گفت: هر بار که کسی با طحرفهات ناراحت کردی، یکی از این میخها را به دیوار بکوب. روز اول، پسرک بیست میخ به دیوار کوبید. پدر از او خواست تا سعی کند تعداد دفعاتی که دیگران را میآزارد، کم کند. پسرک تلاشش را کرد و تعداد میخهای کوبیده شده به دیوار کمتر و کمتر شد. یک روز پدرش به او پیشنهاد کرد تا هر بار که توانست از کسی بابت حرفهایش معذرت خواهی کند، یکی از میخها را از دیوار بیرون بیاورد. روزها گذشت تا اینکه یک روز پسرک پیش پدرش آمد و با شادی گفت: بابا، امروز تمام میخها را از دیوار بیرون آوردم! پدر دست پسرش را گرفت و با هم به سمت دیوار رفتند، پدر نگاهی به دیوار انداخت و گفت: آفرین پسر! کار خوبی انجام دادی. اما به سوراخهای روی دیوار نگاه کن. دیوار دیگر مثل گذشته صاف و تمیز نیست. وقتی تو عصبانی میشوی و با حرفهات دیگران را مینرجانی، آن حرفها هم چنین آثاری بر انسانها میگذارند. تو نمیتوانی چاقویی در دل انسانی فرو کنی و آن را بیرون آوری، اما هزاران بار عذرخواهی هم نمیتواند زخم ایجاد شده را خوب کند...

دستهای چه کسی؟

یک توپ بسکتبال در دست من تقریباً ۱۹ دلار ارزش دارد. اما در دستهای مایکل جوردن تقریباً ۳۳ میلیون دلار میارزد. بستگی دارد توپ در دست چه کسی باشد.



یک عصا در دست من میتواند یک سنگ هار را دور کند. یک عصا در دست موسی دریای بزرگ را میشکافت. بستگی دارد عصا در دست چه کسی باشد.



دو ماهی و پنج نان در دست من دو ساندویچ ماهی میشود. اما در دستهای عیسی هزاران نفر را سیر میکند. بستگی دارد نان و ماهی در دست چه کسی باشد.



یک توپ یک راکت تنیس در دست من بدون استفاده است. یک راکت تنیس در دست آندره آقاسی میلیونها میارزد. بستگی دارد راکت در دست چه کسی باشد.



بیس بال در دست من شاید ۶ دلار بیارزد. اما در دست راجر کلنمن ۴.۷۵ میلیون دلار میارزد. بستگی دارد توپ در دست چه کسی باشد.



یک فلاخن در دست من یک اسباب بازی بچگانه است. اما در دست داود یک اسلحه قدرتمند است. بستگی دارد فلاخن در دست چه کسی باشد.



پس دلواپسها، نگرانها، توسها، امیدها، رویاها، خانواده و نزدیکان خود را به دستان خدا بسپارید. چون... بستگی دارد در دست چه کسی باشد. این پیام در دستهای شماست. با آن چه میکنید؟



سبزهات دار عیسی
تا که عیسی بر فراز دار کشت
شده ای شد در میان جانان
داستان مگر را از هم دید
وهر را تنها به او آمد طیب
بر دل آمد تا نسیم مرده اش
آمده عیسی برای یادوری
می نشیند در کنارت روز و شب
گرچه دشمن بر سرش خاری نهان
سبزهات دار عیسی را به بین
خالق صد ماهران کار کشت
زاده دانی

یکی بود یکی نبود، مردی بود که زندگی اش را با عشق و محبت پشت سر گذاشته بود. وقتی مُرد همه میگفتند به بهشت رفته است. آدم مهربانی مثل او حتماً به بهشت میرفت. در آن زمان بهشت هنوز به مرحله کیفیت فراگیر نرسیده بود. استقبال از او با تشریفات مناسب انجام نشد. دختری که باید او را راه میداد نگاه سریعی به لیست انداخت و وقتی نام او را نیافت او را به دوزخ فرستاد. در دوزخ هیچکس از آدم دعوت نامه یا کارت شناسایی نمیخواهد هر کس به آنجا برسد میتواند وارد شود. مرد وارد شد و آنجا ماند. چند روز بعد ابلیس با خشم به دروازه بهشت رفت و به پطرس را گفت: اینکار شما تروریسم خالص است! پطرس که نمیدانست ماجرا از چه قرار است پرسید چه شده؟ ابلیس که از خشم قرمز شده بود گفت: آن مرد را به دوزخ فرستاده اید و آمده و کار و زندگی ما را به هم زده. از وقتی که رسیده نشسته و به حرفهای دیگران گوش میدهد... در چشمهایشان نگاه میکند... به درد و دلشان میرسد. حالا همه دارند در دوزخ با هم گفت و گو میکنند... هم را در آغوش میکشند و میبوسند. دوزخ جای این کارها نیست! لطفاً این مرد را پس بگیرید! وقتی رامش قصه اش را تمام کرد با مهربانی به من نگرید و گفت: با چنان عشقی زندگی کن که حتی اگر بنا به تصادف به دوزخ افتادی... خود شیطان تو را به بهشت بازگرداند. پائولو کونلیو

آغاز محاصره بیت المقدس توسط سلطان صلاح الدین ایوبی

۸۲۰ سال پیش در روز ۲۰ سپتامبر سال ۱۱۸۷ میلادی سلطان صلاح الدین ایوبی، پادشاه مصر و سوریه، محاصره شهر بیت المقدس را آغاز کرد. صلاح الدین در جنگ حنین صلیبیون را چنان شکست سختی داد که دیگر آنها قادر نبودن برای دفاع از شهر

بیت المقدس نیروهای کمکی اعزام کنند. شهر بیت المقدس چند روز پس از آغاز محاصره توسط سلطان صلاح الدین فتح میشود. سلطان وارد بیت المقدس میشود و به سپاهانش دستور میدهد از کشتار مسیحیان خودداری کنند. سلطان صلاح الدین ثروتمندان شهر را در قبال دریافت فدیه آزاد میکند. او سپس فرقه های تامیلیه و هوسیتالیه که از راهبان سرباز تشکیل شده بودند را مجبور میکند تا فدیه ۷۰۰۰ نفر از فقرا را شهر را بپردازند.



خبر سقوط بیت المقدس تأثیر یک اروپای مسیحی داشت. علیرغم به راه انداختن جنگهای صلیبی دیگر، صلیبیون دیگر هرگز موفق به باز پس گیری بیت المقدس نشدند. با این حال، سلطان صلاح الدین به مسیحیان اجازه داد برای زیارت آرامگاه مسیح آزادانه به بیت المقدس سفر کنند. به این ترتیب، در روز ۲۰ سپتامبر سال ۱۱۸۷ میلادی سلطان صلاح الدین پادشاه مصر و سوریه محاصره شهر بیت المقدس که در دست صلیبیون بود به زور آزاد را آغاز کرد.

بیش از ۶۵٪ جمعیت ایران از نژاد فارس (پارس) هستند. فارسها از اعیان نژاد ایلامی یا آریایی هستند که در هزاره دوم پیش از میلاد در فلات میانی ساکن شدند و نام پارس (پرشیا) را برای ایران برگزیدند.





P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ایمیل آدرس یا فروش گوجه فرنگی!

مرد بیکاری برای سمت آبدارچی در مایکروسافت تقاضا داد. رئیس هیئت مدیره با او مصاحبه کرد و تمیز کردن زمین را بعنوان نمونه کار دید و گفت: شما استخدام شدید، آدرس ایمیلتان را بدهید تا فرمهای مربوطه را برایتان بفرستم تا پر کنید و همینطور تاریخی که باید کار را شروع کنید. مرد جواب داد: اما من کامپیوتر ندارم، ایمیل هم ندارم رئیس هیئت مدیره گفت: متأسفم. اگر ایمیل ندارید، یعنی شما وجود خارجی ندارید. و کسی که وجود خارجی ندارد، شغل هم نمیتواند داشته باشد. مرد در کمال ناامیدی آنجا را ترک کرد. نمیدانست با تنها ۱۰ دلاری که در جیب داشت چه کار کند. تصمیم گرفت به سوپرمارکتی برود و یک صندوق ۱۰ کیلویی گوجه فرنگی بخرد. بعد خانه به خانه گشت و گوجه فرنگیها را فروخت. در کمتر از دو ساعت، توانست سرمایه اش را دو برابر کند. این عمل را ۳ بار تکرار کرد و با ۶۰ دلار به خانه برگشت. مرد فهمید میتواند به این طریق زندگیاش را بگذراند، و شروع کرد به اینکه هر روز



زودتر برود و دیرتر به خانه برگردد. در نتیجه پول او هر روز دو یا سه برابر میشد. بزودی یک گاری خرید، سپس یک کامیون، و به زودی ناوگان

خودش را در خط ترانزیت (بخش محصولات) داشت... پنج سال بعد، مرد یکی از بزرگترین خرده فروشان آمریکا شد. شروع کرد تا برای آینده خانواده اش برنامه ریزی کند، و تصمیم گرفت بیمه عمر بگیرد. به یک نمایندگی بیمه زنگ زد و سرویسی را انتخاب کرد. وقتی صحبت آنها به نتیجه رسید، نماینده بیمه از آدرس ایمیل مرد پرسید. مرد جواب داد: من ایمیل ندارم. نماینده بیمه با کنجکاوی پرسید: شما ایمیل ندارید، ولی با این حال توانستید بک امپراتوری در شغل خودتان به وجود بیاورید. میتوانستید فکر کنید به کجاها میرسیدید اگر یک ایمیل هم داشتید؟ مرد برای مدتی فکر کرد و گفت: آره! احتمالاً یک آبدارچی در شرکت مایکروسافت میشدم.

نتیجه های اخلاقی: ۱. اینترنت چاره ساز زندگی نیست. ۲. اگر اینترنت نداشته باشید سخت کار کنید، میلیونر میشوید. ۳. اگر این نوشته را از طریق ایمیل دریافت کردید، شما هم به جای میلیونر شدن نزدیک است که آبدارچی بشوید...! و دست آخر من هم ایمیل را مینماید تا بروم گوجه فرنگی بفرشم!

شد که بن هور بدون معطلی با آنان همراه شود. جماعتی انبوه در مقابل کاخ فرمانداری گرد آمده بود. بن هور و همراهانش فقط می توانستند ببینند که عده ای از مشایخ و رؤسای کاهنان به داخل حیاط کاخ رفته اند و مقابل عمارت ایستاده و منتظرند که پیلاتوس بیرون بیاید و با ایشان مذاکره کند. آنها در پی یافتن راهی بودند که خود را به جلو، به داخل حیاط برسانند، اما ظاهراً راهی نبود. در همین اثنا، سروصدایی برخاست. بن هور برای آنکه بدانند چه میگذرد، یکی از مردان جلیلی را در هوا بلند کرد. مرد با صدایی خشمگین گفت: " نگاه کنید! آنجا یک عده یهودی دارند کاهنان و سران قوم را با چماق میزنند! ای مردم دیندار، کمک کنید!" بن هور به اطرافیان خود گفت: " اینها یهودی نیستند. این حیلۀ فرماندار است. او به سربازان رومی لباس یهودی پوشانده. دست بکار شوید! بیاید شاخۀ درختان را بکنیم و از قوم خود دفاع کنیم." بن هور مانند رهبری دانا، آن مردان مصمم را سازماندهی کرد. درست در لحظاتی که جماعت سراسیمه از دروازه کاخ، با فشار به بیرون میگریختند، بن هور و یارانش از کنار دیوار خود را به جلو رساندند. به محض اینکه چشم چماقداران فرماندار به این مردان مسلح افتاد، از زدن مشایخ و سران قوم دست برداشتند و خود را به مدخل عمارت رساندند. بن هور که حدس میزد اقدام بعدی رومیها، حمله لژیون مسلح باشد، به یاران خود دستور داد که تا دروازه باز است، خود را به بیرون برسانند. همین کار را نیز کردند. بلافاصله از داخل دستور آمد تا دروازه را ببندند. از حرکات سربازان و فرماندهانشان مشخص بود که برای حمله به جماعت آماده میشوند. مشایخ و رؤسای کاهنان یهودی که اکثراً زخمی بودند، برای جلوگیری از خونریزی، فوراً به مردم دستور دادند که پراکنده شوند. بن هور و یارانش هم که میدانستند اگر بمانند، احتمالاً بخاطر اقدامشان بازداشت خواهند شد، همراه بقیۀ جماعت، بسرعت محل را ترک کردند. اما آن مردان جلیلی و بسیاری دیگر که شهامت و تدبیر بن هور را دیده بودند، بدنبال او رفتند تا بدانند او کیست. ساعتی بعد، در محلی دور از دید، خارج از اورشلیم، بن هور با آن گروه جلیلی مشغول گفتگو بود. بن هور متقاعد شده بود که اینان همان کسانی هستند که باید لشکر او را تشکیل دهند. عزم راسخ، قصد پاک، و شهامت آنان، همان چیزی بود که برای این امر خطیر مورد نیاز بود. ناامید و مأیوس از جستجوی مادر و خواهر خود، بن هور احساس میکرد که لحظۀ انتخاب راه فرار رسیده. او باید این مردان، و بسیاری دیگر را تربیت و هدایت کند. طبق گفته *بالتازار و سیمونیس*، زمان ظهور پادشاه موعود بسیار نزدیک بود. او میبایست سپاه مقدس این پادشاه را آماده کند. پس دیگر چه میخواست، اگر این مردان به این شکل معجزه آسا نزد او گرد آمده اند. چند روز بعد از این واقعه، بن هور در کوهستانهای جلیل، کار خود را آغاز کرد. او یاران خود را طبق اصول نظامی روم آموزش میداد. با روم میبایست به طریق خودش معامله کرد. بن هور، استوار و مصمم، ماهها در نقاط دور افتادۀ جلیل، در مخفیگاههای مختلف به تربیت و آموزش مردان خود مشغول بود. در طول این مدت، دوست وفادار او، ملوک، ارتباط او را با سیمونیس و شیخ ایلدریم برقرار میکرد.



آن روز صبح، بن هور با کسالت و افسردگی از خواب بیدار شد، تمام شب را نوانسته بود بخوابد. روز قبل، ملوک خبر نهایی را برای او آورده بود. چندین روز بود که ملوک، با تلاشی بی دریغ، به جستجوی مادر و خواهر دوستش پرداخته بود. او مستقیم به حضور فرماندار جدید رفته بود و خواستار تعقیب ماجرا شده بود. فرماندار نیز نهایت همکاری را کرده بود. در نقطه پایان جستجو، گزارش فرمانده گارد و رئیس زندان را به او نشان داده بودند. حالا ملوک میدانست که جستجو خاتمه یافته، مادر و خواهر بن هور جایی نمیتوانستند باشند، جز گورستانی که محل زندگی جد امیان بود. آن روز بن هور و ملوک، طبق قراری که داشتند، صبح زود به گورستان رفتند. تک تک جد امیان را از نظر گذرانیدند، اما عزیزان خود را نیافتند. روزهای دیگر هم به آنجا بازگشتند. این کار را هفته ها ادامه دادند. اما جستجو و پرس و جوی آنها نتیجه ای بیش از این نداشت که پی بردند که کسی دو زن جد امی را ماهها پیش دیده که با پرتاب سنگ از سوی مردم، دروازه شهر را ترک کرده اند. روزی بن هور بعد از ساعتی جستجو بی ثمر، خسته و نا امید، در کاروانسرای نزدیک شهر، ساعتی خود را رها کرد. کاروانسرا شلوغ بود و عده ای مشغول خورد و نوش بودند. بن هور آرزو می کرد که تنها باشد و فقط چیزی بخورد و جستجوی خود را دنبال کند. هیچگونه تمایلی هم به درگیر شدن در گفتگوهای اطرافیان نداشت. تنها چیزی که توجه او را جلب کرد، حضور تعداد زیادی زائر بود که از ایالت شمالی فلسطین، یعنی ایالت جلیل به اورشلیم آمده بودند. لهجه آنان گواه بر اصلیشان بود. در اوج بی حوصلگی، توجهش به آزادمنشی، غیرت مذهبی و سلامت جسمی شان جلب شد. به یاد تصمیم و قراری که با سیمونیس و شیخ ایلدریم گذاشته بود، افتاد. آنها تصمیم داشتند نیروی گرد آورند تا با روم وارد مبارزه شوند. فکر کرد که این مردان چقدر برای این مقصود مناسبند؛ هم روحیه اش را داشتند و هم توان جسمی اش را. در همین تخیلات غوطه ور بود که کسی وارد شد و برافروخته، به آن زائرین جلیلی گفت: "برادران، برویم!" بن هور که کنجکاوی اش تحریک شده بود، از جا بلند شد و سریع خود را به یکی از آنان رساند و پرسید: "جریان چیست؟ چه اتفاقی افتاده؟ کجا میروید؟" مخاطب در جواب گفت: "پیلاتوس، فرماندار جدید، قصد دارد از خزانه و موقوفات عبادتگاه مقدس برای بنای آبراه شهر استفاده کند. مشایخ و کاهنان دارند به طرف کاخ فرمانداری میروند تا حضوراً به پیلاتوس اعتراض کنند. ما هم داریم میرویم، چون احتمالاً درگیری پیش خواهد آمد. ما مبارزه خواهیم کرد." جرقه ای در ذهن بن هور زد! شاید این مردان را خدا سرراه او قرار داده تا سپاه خود را از آنان تشکیل دهد. این فکر باعث

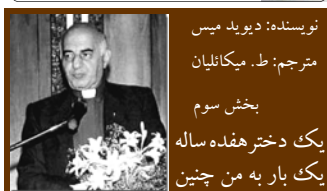


Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com



کاشف ساختار دی ان ای، فرانسیس کریک انگلیسی و همکار آمریکایی او جیمز واتسن در سال ۱۹۳۵ موفق به یکی از بزرگترین کشف‌های تاریخ علم بشر شدند. آنها توانستند ساختار مولکولی دی ان ای را به درستی رمزگشایی کنند. البته آنها نمیتوانستند بدون دانشمند انگلیسی دیگری به نام **رزالدین فرانکلین** که تصاویر اشعه ایکس او به آنها کمک کرد ساختمان نردبانی شکل و درهم پیچیده دی ان ای را کشف کنند. **واتسن** بدون آگاهی **رزالدین** و به صورت اتفاقی توسط اشعه ایکس او توانست این ساختار را مشاهده کند. **فرانکلین** که برای دریافت تصاویر اشعه ایکس خود را در معرض سطح خطرناکی از اشعه ایکس قرار داد، در سال ۱۹۵۸ او در سن ۳۷ سالگی بر اثر سرطان درگذشت. همکار او **مریس ویلکینز** هم که در جایزه نوبل پزشکی سال ۱۹۶۲ با **واتسن** و **کریک** شریک بود به همین سرنوشت دچار شد.

موفقیت در زندگی زناشویی



نویسنده: دیوید میس
مترجم: ط. میکائیلان
بخش سوم

یک دختر هفده ساله
یک بار به من چنین گفت: اطمینان دارم پسری که با او دوست شده ام برای من شوهر مناسبی خواهد بود. از او پرسیدم از کجا اطمینان داری؟ جواب داد: زیرا وقتی او را ملاقات میکنم تمام بدنم به لرزه درمیآید. بدون شک برای این پسر موفقیتی بود که توانسته بود در این دختر چنین احساساتی برانگیزد و بیدهی است که این دختر چنین احساسی لذت میبرد. ولی این نوع لرزیدن چه تضمینی به وجود می آورد که این دو نفر می توانند خانواده خوبی تشکیل دهند و تا آخر عمر با هم سعادتمند باشند؟ با کمال تأسف باید گفت که هیچ تضمینی به وجود نمی آورد. ولی وقتی دلایل عقلی برای عمل خود در دست نداریم به ناچار بر اساس احساسات یا غرائز خود تصمیم میگیریم. آیا میتوانیم به جوانان راه بهتری نشان بدهیم؟ روان شناسان آمریکائی بعد از تلاشهای زیاد آزمایشاتی برای تشخیص مناسب بودن دو نفر برای ازدواج با یکدیگر ترتیب داده اند. برای این که دو نفر برای ازدواج با یکدیگر مناسب تشخیص داده شوند باید دارای نمرات مثبت کافی باشند و منحنی ترسیم شده از خصوصیات آنها باید به هم شبیه باشد. وقتی موضوع فوق را برای دوستان انگلیس خود شرح دادم آنها خنده تمسخر آمیزی سردادند. از نظر اصولی من با این نوع آزمایشها مخالفتمی ندارم و آنها را مضر نمیدانم ولی باید دانست که موضوع ازدواج خیلی جدیتر از اینهاست زیرا تعهدی است در مورد بقیه عمر نه یک خواب و خیال. اگر مطمئن باشم که چنین آزمایشاتی به تشکیل خانواده های سعادتمند کمک میکنند صد درصد با آنها موافقت خواهم کرد. ادامه دارد...

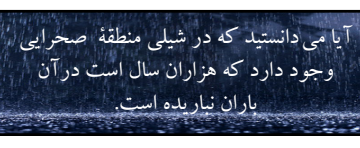


طغیان خشم و غضب غیر قابل کنترل که بخش عمده آن متوجه کودکان میشود، بخشی از زندگی هر روزه بعضی از مادران است.

اگر تمرکز خود را از دست دهید، نبرد را باخته‌اید. فرض کنید که در یک نبرد واقعی برای حفظ حکومت خود هستید (و در واقع هستید). در این نبرد شما در مقابل غضب خود میجنگید و شما واقعاً میخواهید برنده شوید. مهمتر از همه اینکه به خود یادآوری کنید که برنده شدن علاوه بر عزت نفس، احترام فرزند و همسر را برایتان به ارمغان می آورد.

بخندید، به آنها، به خودتان و به زندگی کودکان صبر و تحمل شما را محک میزند. آنها همه چیز را پرتاب میکنند، در خانه میدوند و مدام سوال میکنند. اگر از همان ابتدا این واقعیت را بپذیرید که نمیتوانید همواره آنها را به طور کامل کنترل کنید و گاهی هم اصلاً نمیتوانید این کار انجام دهید، در زمانی که آنها چیزی را میریزند، به چیزی که نباید، دست میزنند و سوالی را برای ۵۰ همین مرتبه تکرار میکنند، خیلی عصبی نمیشوید و حتی میتوانید به شیطنت کودکان بخندید.

از کودکان کمک بخواهید بگذارید گاهی هم آنها از شما مواظبت کنند. اشکالی هم ندارد. کودکان بیش از آنکه به فریاد تحکم آمیز توجه کنند، به تقاضای کمکی که صادقانه بیان شود واکنش مثبت نشان میدهند. منظور این نیست که کودک را به انجام کاری در مقابل عمل ناپسندش وا دارید، بلکه منظور جلب همدلی اوست. از چنین جملاتی استفاده کنید: **اگر لباساتو نویسی نمیتونم ببرم مدرسه و خیلی ناراحت میشم، اگر سوار ماشین نمی دیر میرسیم و من خجالت میکشم، وقتی اتاقت را مرتب نمیکنی فکر میکنم خستگی من خیلی برات مهم نیست.** ادامه دارد...



آیامی دانستید که در شیلی منطقه صحرايي وجود دارد که هزاران سال است در آن باران نباریده است.



نبی از زوجهای آمریکایی بدون ثبت ازدواج با یکدیگر زندگی میکنند

در آمریکا زندگی مشترک بدون ثبت ازدواج تقریباً در نیویورک وجود دارد. از هر ۲ کودکی که توسط دختران نوجوان به دنیا میآید، ۳ کودک در اثر رابطه نامشروع بوجود آمده است. زوجهایی که تحصیلات عالی دارند بیش از دیگران ازدواجهای رسمی و قانونی دارند و کمتر به زندگی مشترک آزاد تن میدهند، در حالی که در اکثر کشورهای اروپایی افراد تحصیل کرده علاقمند به زندگی آزاد هستند و تمایل کمتری نسبت به ازدواج رسمی از خودشان نشان میدهند. در کشور سوئد نیز این نوع زندگی به صورت هنجار درآمده و تقریباً یک سوم زنان و مردان بدون ثبت ازدواج با یکدیگر زندگی میکنند. محققان دریافته اند: تنها یک پنجم کودکان آمریکایی که در چنین خانواده هایی به دنیا میآیند تا سن بلوغ با پدر و مادرشان زندگی میکنند و مابقی خانواده ای ندارند. آمارها نشان میدهد: تقریباً نیمی از زنان و مردان آمریکایی ۳۵ تا ۳۹ ساله این زندگی را تجربه کرده اند و تعهدی نسبت به یکدیگر نداشته اند.

ماهنامه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا
با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود، ما را در حفظ ماهنامه تبدیل یاری نمایید.

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$24 for one year

Name _____
Address _____
City _____ State _____
Zip _____
Phone () _____

Please clip and return with payment to:
Iran for Christ ministries
P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA
Tabdil@iranforchrist.com
TEL: 818. 522. 1525
<http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm>



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA



هیچکدام از پیامبران قبلی پیش از وفاتشان به پیروان خود نگفتند که باز خواهند گشت، ولی عیسی مسیح بارها به بازگشت خود اشاره میکرد و به شاگردان خود فرمود که باید بیدار و منتظر آمدن او بوده، برای یافتن نتایج اعمال خود حاضر باشند. وی فرمود که در آخر دنیا با جلال از آسمان خواهد آمد و همه مردم او را خواهند دید. آن وقت بر تخت پادشاهی خود خواهد نشست و جمیع امتهای پیش او جمع خواهند شد و بر آنها داوری کرده آنان را از یکدیگر جدا خواهد نمود، چنان که چوپان میشها را از بزها جدا میکند، بعضی را برای حیات ابدی و بقیه را برای عذاب جاودانی. بازگشت مسیح چقدر عجیب و با شکوه خواهد بود، ولی برای کسانی که او را اطاعت نکرده اند چقدر وحشتناک است!



نابینایان

از دیرباز بینایی به منزله زیبایی و درک روشنائی و حیات تلقی شده و نابینایی به منزله زشتی، تاریکی و بی بهره ماندن از درک حیات مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته است. این بینش با توجه به عدم برخورداري افراد نابینا از فرصتهای آموزشی و شغلی مناسب در طی قرون متمادی به صورتی فراگیر و پایدار باقی مانده است. با بررسی آمارهای بین المللی و توجه به متجاوز از چهارصد میلیون معلول و ناتوان در سراسر جهان افزایش چشمگیر این جمعیت اهمیت تعلیم و تربیت، رفاه، اشتغال و بالاخره نحوه زندگی افراد استثنایی آشکارتر میشود. آمارهای منتشره نشان می دهد از هر ده نفر مردم جهان یک نفر شناخته یا ناشناخته با معلولیت یا کمبودی درگیر است. با این حساب با توجه به تلاش و کوشش که در یکی دو قرن گذشته در ارائه فرصتهای آموزشی و شغلی افراد نابینا مبدول شده است از مجموع ۶۵۰ هزار نفر جمعیت نابینای ایالت متحده، تنها چیزی، رقمی حدود ۳۰٪ افراد مذکور از مزایای تحصیلی و شغلی مناسب برخوردار و بقیه افراد شاید تنها به صرف نگرش نامساندی که نسبت به معلولیت نابینایی خود دارند از این مزایا محروم مانده اند. در سال ۱۹۸۹ تعداد کل جمعیت نابینایان دنیادر حدود ۴۰ میلیون نفر برآورد شده است. از این تعداد حدود ۶۶٪ جمعیت در کشورهای فقیر آسیا و آفریقا زندگی میکنند که در بعضی از موارد از حداقل امکانات مربوط به زمینه های آموزشی و شغلی نیز برخوردار نیستند.

پروفیسور کافمن معتقد است، علت اینکه افراد پیش از هر معلولیت دیگری از نابینایی و روبرو شدن با افراد نابینا و اهمه دارند، این است که به برقراری ارتباط اولیه با آنها خود را دچار سردرگمی می بینند.

راز خوشبختی



تاجری پسرش را برای آموختن راز خوشبختی نزد خردمندی فرستاد. پسر جوان چهل روز تمام در صحرا راه رفت تا اینکه سرانجام به قصری زیبا بر فراز قله کوهی رسید. مرد خردمندی که او در جستجویش بود آنجا زندگی میکرد. بجای اینکه با یک مرد مقدس روبه رو شود وارد تالاری شد که جنب وجوش بسیاری در آن به چشم میخورد، فروشندهگان وارد و خارج میشدند، مردم در گوشه های گفتگو می کردند، ارکستر کوچکی موسیقی لطیفی مینواخت و روری یک میزبانان و اقسام خوراکیهای لذیذ چیده شده بود. خردمند با این و آن در گفتگو بود و جوان ناچار شد دو ساعت صبر کند تا نوبتش فرا رسد. خردمند با دقت به سخنان مرد جوان که دلیل ملاقاتش را توضیح میداد گوش کرد اما به او گفت که فعلاً وقت ندارد که راز خوشبختی را برایش فاش کند. پس به او پیشنهاد کرد که گردشی در قصر بکند و حدود دو ساعت دیگر به نزد او باز گردد. مرد خردمند اضافه کرد: اما از شما خواهشی دارم. آنگاه یک قاشق کوچک به دست پسر جوان داد و دو قطره روغن در آن ریخت و گفت: در تمام مدت گردش این قاشق را در دست داشته باشید و کاری کنید که روغن آن نریزد. مرد جوان شروع کرد به بالا و پایین کردن پله ها، در حالیکه چشم از قاشق بر نمیداشت. دو ساعت بعد نزد خردمند بازگشت. مرد خردمند از او پرسید: آیا فرش های ایرانی اتاق نهارخوری را دیدید؟ آیا باغی که استاد باغبان ده ساله صرف آراستن آن کرده است دیدید؟ آیا اسناد و مدارک ارزشمند مرا که روی پوست آهو نگاه داشته شده دیدید؟ جوان با شرمساری اعتراف کرد که هیچ چیز ندیده، تنها فکر او این بوده که قطرات روغنی را که خردمند به او سپرده بود حفظ کند. خردمند گفت: خُب، پس بر گرد و شگفتی های دنیای من رابشناس. آدم نمیتواند به کسی اعتماد کند، مگر اینکه خانهای را که در آن سکونت دارد بشناسد. مرد جوان این بار به گردش در کاخ پرداخت، در حالیکه همچنان قاشق را به دست داشت، با دقت و توجه کامل آثار هنری را که زینت بخش دیوارها و سقفها بود می نگرست. او باغها را دید و کوهستانهای اطراف را، ظرافت گلها و دقتی را که در نصب آثار هنری در جای مطلوب به کار رفته بود تحسین کرد. وقتی به نزد خردمند بازگشت همه چیز را با جزئیات برای او توصیف کرد.

خردمند پرسید: پس آن دو قطره روغنی را که به تو سپردم کجاست؟ مرد جوان قاشق را نگاه کرد و متوجه شد که آنها را ریخته است. آن وقت مرد خردمند به او گفت: راز خوشبختی این است که همه شگفتیهای جهان را بگری بدون اینکه دو قطره روغن داخل قاشق را فراموش کنی.



مطالب و پیام کتاب

بنابر عقیده غلط پیروان انجیل برنابا، عیسی پیش از مصلوب شدن، به آسمان عروج کرد، و طوری شد که یهودا شبیه عیسی به نظر برسد (برنابا، فصل ۲۲۰). عیسی بر صلیب نمرود (برنابا، فصل ۲۱۵). کسی که بر صلیب مرد، یهودای اسخرویوطی بود (برنابا، فصل ۲۱۶). حواریون عیسی جسد یهودا را دزدیدند و ادعا کردند که عیسی زنده شده است. بسیاری از حواریون، از جمله پولس، این فریب را تعلیم داده اند. نویسنده این کتاب میگوید: مسیحیان مدعی اند که این انجیل در زمان رسولان و شاگردان ایشان و پدران کلیسا و شاگردان ایشان وجود نداشته است. تقریباً همه کتاب های عهد جدید در نوشته های مسیحیان اولیه مورد اشاره قرار گرفته، اما هیچ نوع اشاره ای به انجیل برنابا نشده است. اما مسلمانان برای نسخه خطی این کتاب، تاریخچه ای طولانی و پر آب و تاب ارائه می دهند که به روزگار /یزنیوس (۱۳۰-۲۰۰ م) باز میگردد. برای مثال، رحیم می گوید که ایزنیوس "در تأیید نظرات خود، نقل قول هایی مسوط از انجیل برنابا به عمل آورده است. این نشان می دهد که انجیل برنابا در قرن اول میلادی در گردش بوده است." وقتی موضوع را مورد مطالعه قرار می دهیم، مشاهده می کنیم که ایزنیوس در نوشته های خود از رساله برنابا نقل قول می کند، نه از آنچه که رحیم انجیل برنابا می نامد. ("رساله" یعنی نامه و معمولاً به تشریح تعلیم می پردازد، در حالی که "انجیل" شرح زندگی عیسی است). رحیم ادعا کرده که در زمان حکومت امپراطور زنون (۴۷۸ م)، بقایای انجیل برنابا کشف گردید، و نسخه ای از این انجیل که به دست خودش نوشته شده بوده، بر سینه او یافت شد. طبق نظر او، این نکته در کتاب Acta Sanctorum، بولاندجونئی، جلد دوم، صفحات ۴۲۲-۴۵۰، که به سال ۱۶۹۸ در شهر آنور انتشار یافته، ذکر شده است. اما آنچه این کتاب می گوید این است که نسخه ای از انجیل به روایت متی که خود برنابا نسخه برداری کرده بوده، بر سینه امپراطور یافت شده. این تحریف عمدی از این کتاب، صدق گفتار رحیم را مورد تردید قرار می دهد. او کلمات "به روایت متی که خود برنابا نسخه برداری کرده بوده" را از قلم انداخته و به جای آن نوشته "انجیل برنابا".

ادامه دارد.....



خالق بزرگ، خلایقیت به ما عطا کرده است. پیشکش ما نیز به او، به کار بردن آن خلایقیت است. جولیا کامرون

Ambassadors of Christ Persian Church



English Service
Sundays: 1pm

Farsi Service
Sunday: 3pm

21300 Califa St,
Woodland Hills CA 91367

TEL: 818.522.1525



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

پیشگویی درباره عیلام

(ایران فعلی)



کشور ایران یا فارس یا پارس یا ایلام و یا سرزمین مادها از زمانهای بسیار دور همواره بنابه اراده خدا محور اساسی در جایگاه خود در منطقه داشته است. چه از اولین تمدن مادها در غرب ایران چه از پادشاهی دامنه دار هخامنشیان به رهبری کوروش، چه به دوران طلایی ورود کلام و پیام مسیح به ایران در همان سالهای اولیه میلاد و استقبال بی نظیر مردم این سرزمین از پیام نجات بخش مسیح و چه اشغال و هجوم قوم اعراب به منزله تصرف و تحکم بر این سرزمین و تا فروپاشی آنها و قیامهای مردمی در سراسر این خاک گهربار چه اوج صعود ادبیات و علم و دانش در این سرزمین، اشغال خاکش توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، پادشاهی خاندان پهلوی و نهایتاً قدرت دادن به دیدگاه اسلامی در این خاک تا تسلط و حکومت طولانی سردمداران مذهبی، همه و همه آن از تاریخ پر از فراز و نشیب و دردناک این سرزمین با ما سخن میگویند.

وقتی که خود را تنها دیده، می ترسید، مزبور ۲۳ را بخوانید

تاریخچه طالبان



طالبان در فاصله سالهای ۱۹۹۴ از جنوب افغانستان ظهور نمودند. آنان گروهی با انگیزه، از طلاب علوم دینی بودند که از افزایش ناامنی در سراسر افغانستان توسط گروه های مسلح به نام مجاهد پس از فروپاشی حکومت نجیب در سال ۱۹۹۱ به ستوه آمده بودند. این گروه های مسلح به مدت سه سال در حالی در جاده ها به دزدی و اخاذی میپرداختند که سران مجاهدین در پایتخت بر سر قدرت به شدت میجنگیدند. در این شرایط که اوضاع مرزی تحت نظارت سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (ISI) قرار داشت، خبرگزاریهایی از عملیات پرسر و صدای تصرف یک شهر مرزی در جنوب قندهار و یک پایگاه مملو از اسلحه توسط گروه ناشناس خسته طالبان در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۴ خبر دادند. این گروه از قبایله پشتون ذرانی با سابقه حکومت ۲۵۰ ساله در افغانستان و خواستار بازگشت ظاهر شاه سابق بودند. رهبر آنان ملا عمر، یکی از مجاهدین سابق، بود و فرماندهان محلی، پاکستان را در ظهورشان دخیل می دانستند. یک هفته بعد، در بیستم اکتبر، هیأتی از کارشناسان امور عمرانی و سفرای خارجی به سرپرستی بابر، وزیر خارجه وقت پاکستان که خود یک پشتون بود، در سفری به جنوب افغانستان، امکان برقراری بزرگراهی از کوئته به هرات را بررسی می کردند. بابر قبلاً راینهایی با مقامات محلی انجام داده بود. این هیأت در خارج از قندهار توسط مجاهدین محلی و در اعتراض به حمایت پاکستان از گروه طالبان، گروگان گرفته شد. از طرفی ملاقاتی در ۲۸ اکتبر بین رئیس جمهور ترکمنستان و والی هرات بابوتو، نخست وزیر وقت پاکستان، در عشق آباد صورت گرفته و قرار بود در یک سفر آزمایشی، کاروانی تجاری شامل سی کامیون از پاکستان به عشق آباد رود. در ۱۲۹ اکتبر این کاروان نیز همراه دو فرمانده طالبان و یک افسر ISI به گروگان مجاهدین درآمد. طالبان به

بود الحال باقی سه زار کان
امید است و محبت، نیز ایمان
اگر پرسی که رجحان بر کدام است
محبت برتر و جان کلام است
دکتر هاشمی

مقایسه عمر زمین با عمر یک انسان



فقط تصور کنید که بتوانیم سن زمین را که غیر قابل تصور است، فشرده کنیم و هر صد میلیون سال آن را یک سال در نظر بگیریم! در این صورت کره زمین مانند فرد ۴۶ ساله خواهد بود! هیچ اطلاعی در مورد ۷۰ سال اول این فرد وجود ندارد و درباره سالهای میانی زندگی او نیز اطلاعات کم و بیش پراکنده ای داریم. اما این را میدانیم که در سن ۴۲ سالگی، گیاهان و جنگلها پدیدار شده و شروع به رشد و نمو کرده اند و اثری از دایناسورها و خزندگان عظیم الجثه ناهمین یکسال پیش نبود! یعنی زمین، آنها را در سن ۴۵ سالگی به چشم خود دید و تقریباً ۸ ماه پیش پستانداران را به دنیا آورد. و آخر هفته گذشته دوران یخ سراسر زمین را فراگرفت. انسان جدید فقط حدود ۴ ساعت روی زمین بوده و طی همین یکساعت گذشته کشاورزی را کشف کرده است. بیش از یک دقیقه از عمر انقلاب صنعتی نمیگذرد! و حال ببینید انسان در این یک دقیقه چه بلایی بر سر این بیچاره ۴۶ ساله آورده است. او طی ۴۰ دقیقه بیولوژیکی، از این بهشت یک آشغال دانی کامل ساخته است. او خودش را به نسبتهای سرسام آوری زیاد کرده، و نسل ۵۰۰ خانواده از جانداران را منقرض کرده است! سوخته های این سیاره را تصاحب کرده و همه را به یغما برده است! و الان مثل کودکی معصوم و بی تقصیر! ایستاده و به این حمله برق آسا نگاه میکند.

آندری بیت اف، رمان نویس روسی بود، که در دوره حکومت کمونیستها بزرگ شده بود. خدا در روزی غم انگیز، نظری را بسوی خود جلب نمود. او آن روز را این چنین یاد می آورد: در سن ۲۷ سالگی در شهر لنینگرادف سوار مترو بودم، با آندوهی بس عمیق دست و پنجه نرم میکردم به حدی که خود را هر لحظه با مرگ مواجه میدیدم، آینده برام به کلی تهی مینمود و هیچ معنایی نداشت. ناگهان، بدون هیچ مقدمه ای، متوجه جمله ای شدم: بدون خدا زندگی هیچ معنایی ندارد. باحیرت آن جمله را تکرار میکردم. آنچنان که گویی از پله بالا میرفتی، آن جمله را از اول تا آخر مرور کردم، بلافاصله از مترو پیاده شدم و بسوی نور خدا گام برداشتم.

کتاب مقدس درباره خود ارضایی چه میگوید؟

گردآوری از دانیال خرسند
بخش دوم
آیا بهتر نیست خود ارضایی کنیم تا آنکه مرتکب رابطه جنسی شویم؟
اگر درصدد پاسخی ساده و راحت به این سؤال هستیم، آن را تأیید می کنیم. در حالی که از عواقب آن مطلع نیستیم. درست است که در انتخاب بین دو شر و یا بدی، خود ارضایی منطقی تر به نظر میرسد، اما ارتکاب به خود ارضایی خود، پاسخی قاطع به نیاز جنسی انسان نیست. در واقع خود ارضایی خود عامل خلق نیازهای ارضا نشده عمیق تر دیگری است. خود ارضایی دامنه تشنگی جنسی شخص را وسیع تر می کند. به عبارتی دیگر خود ارضایی اعتیاد آور است و در دراز مدت عضلانی فرسایش دهنده برای مسیحیان بشمار می رود. همچون هر نوع اعتیاد دیگر، خود ارضایی به مرور سنگین می شود و بار روحی و روانی بیشتری را برای ارضا می طلبد. از سوی دیگر، خود ارضایی توأم با تخیل پردازی است و گاه برای بالا بردن قدرت تصویرپردازی، مجلات و فیلم هایی که حاوی موضوعات تحریک کننده اند به کمک شخص می آیند.
تمامی این گرایشات سبب می شوند که رابطه شفاف شخص با دیگران کدر شود. برای فردی که اسیر خود ارضایی است، همه چیز در خدمت رفع نیازهای اوست. او دیگر نمی تواند خود را با ایثار به دیگران ببخشد، همه چیز برای او وسیله ای است تا نیازهایش رفع شود. بلی همه ناهنجاری های جنسی از نحوه تفکر ما آغاز می شوند. اگر افکار خود را بدرستی مهار نکنیم، این افکار میوه خود را در زندگی مان خواهند کاشت و تنها به آن بسنده نخواهد کرد. افکار معوج دائم درصدد تولید میوه های فساد است.



هنگامی که آنان در سال ۱۹۹۶ اجلال آباد را در شرق افغانستان فتح و کابل را محاصره می کردند، سران مجاهدین همچنان به درگیریهای خود در اطراف پایتخت (کابل) و دسته بندیهای تاکتیکی بر سر تصرف شهرها ادامه می دادند؛ در حالی که امنیت و نظم در قلمرو جنبش طالبان برقرار بود، پس از چند محاصره، نیروهای احمد شاه مسعود کابل را تخلیه کردند و بلافاصله شهر به تصرف طالبان درآمد. پس از سقوط این چهارمین شهر بزرگ افغانستان، مجاهدان در مقابل طالبان یک اتحاد تاکتیکی به نام جبهه متحد به وجود آوردند. طالبان که حاکمیت بر تمام کشور را جست و جو میکردند، با استفاده از اختلافات داخلی سران مجاهدین در سال ۱۹۹۸ شمال و اندکی بعد مرکز افغانستان را هم تصرف کردند و دست به کشتارهای وسیع مردم این مناطق زدند. تحریمهای اقتصادی جامعه بین المللی در واکنش به اعمال طالبان آنان را به انزوا برد. وقتی دو روز قبل از حادثه یازدهم سپتامبر آمریکا، احمد شاه مسعود کشته شد، ائتلاف ضد تروریسم به رهبری آمریکا با بمبارانهای سنگین و پشتیبانی جبهه متحد، طالبان را از صحنه سیاسی افغانستان به زیر آورد.

اناجیل غنوسی چه هستند نویسنده: دل وندر لوگت

پیش از قرن بیستم، تنها منبع اصلی اطلاعات در مورد مکتوبات غنوسی، بعضی نوشته های پدران کلیسا (ایرنوس، ترتولیان و دیگران) بودند، که در حین فرایند انکار و رد این مکتوبات، اشاره هایی هم به بخشهایی از این مکتوبات داشتند. در سال ۱۹۴۵، در نج حمادی مصر، یک روستایی کوزه ای بزرگ مسی یافت که حاوی تعداد زیادی از مدارک باستانی به زبان کتیبه بود. در بین این یافته ها، مکتوبات غنوسی هم (که احتمالاً همان هایی هستند که توسط پدران کلیسا اشاراتی بدانها شده بود) بچشم میخورد. بعضی از این مکتوبات **اناجیل** خوانده شده اند چونکه حاوی داستانهایی چند درباره عیسی و سخنان او میباشد اما از طرف دیگر این نوشته ها فاقد جزئیات تاریخی و شرح وقایع موجود در اناجیل قانونمند هستند. به وضوح مشخص است که در نوشتن این مکتوبات از اناجیل قانونمند بهره گرفته شده است اما در عین حال هیچ سندی موید این که قدمت این مطالب و نوشته ها به قبل از قرن دوم باز گردد، وجود ندارد.



کارگردان: میلوش فورمن. **فیلمنامه:** میلوش فورمن، ژان کلود کاریه. **موسیقی:** وارهان ارکستروویچ بانو، ژوزه نیه نو. **مدیر فیلمبرداری:** خاویر باردم، ساروب. **تدوین:** آدام بوم. **طراح صحنه:** پاتریزیا فون برنشتاین. **بازیگران:** خاویر باردم، برادر لورنزو، ناتالی پورتمن، اینیس/آلیسیا، استلان اسکارسگارد، فرانسیسکو گویا، برندی کویا، پادشاه کارلوس چهارم، بلانکا پورتیلو، ملکه ماریا لویزا، میشل لونسدال، پدرا گرگوریو، خوزه لویس گومز اتوماس بیلباتو، کریگ استیونسون، ناپلئون بناپارت. ۱۱۴ دقیقه. محصول ۲۰۰۶ آمریکا، اسپانیا. نامزد جایزه بهترین طراحی لباس، بهترین چهره پردازی و جلوه های ویژه از مراسم گویا.

سالهای پایانی قرن هجدهم، اسپانیا، فرانسیسکو گویا زیر سایه حمایت پادشاه کارل چهارم سرگرم قوام دادن به سبک کاری خویش و خلق بهترین تابلوها است. اینس دختر جوان و زیبایی تاجری ثروتمند که به نوعی الهه الهام وی شمرده میشود، گرفتار دادگاه تفتیش عقاید کلیسا میشود. پدر اینس برای نجات وی به گویا روی میآورد تا از رابطه خود برای تماس با پدرا لورنزوی جوان و صاحب سمت در کلیسا استفاده کند. گویا پذیرفته و شبی لورنزو را به منزل تاجر میرسد، اما لورنزو با خاطر همخوابگی پنهانی با اینس در سرداب کلیسا با وجود تهدید پدر و برادران وی حاضر به کمک نیست. لورنزو پس از امضای اعتراف نامه ای دروغین و مسخره تحت فشار پدر اینس به اینکار راضی شده و با پدرا گرگوریو ملاقات میکند. اما پدرا گرگوریو پس از پذیرفتن پول هنگفت پدر اینس از آزادی وی امتناع میکند. پدر نوید ناچار به نزد پادشاه رفته و ماجرا را باز میگوید. افشای اعتراف نامه دروغین سبب فرار لورنزو میشود، اما اینس همچنان د زندان میماند.

یک دهه و نیم بعد لورنزو به همراه ارتش ناپلئون سر رسیده و در هیبت یک انقلابی، پس از خلع پادشاه صاحب نفوذ قدرتی فراوان میشود. اینس نیز پس از برچیده شده زندانها و دادگاه تفتیش عقاید آزاد میشود. اما تمامی خانواده اش به قتل رسیده اند و او ناچار به سراغ گویا که اینک ناشنوا شده، میرود. او به گویا میگوید که در زندان دختری به دنیا آورده و پدر آن دختر لورنزو است. گویا به سراغ لورنزو میرود، اما لورنزو از پذیرش این امر امتناع و بار دیگر اینس را - این بار در یک آسایشگاه - زندانی میکند. مدتی بعد گویا با دختری روسی به نام آلیسیا که شباهتی حیرت انگیز به اینس دارد، برخورد میکند. لورنزو سعی میکند تا دختر را از میان بردارد، ولی هوشمندی آلیسیا سبب نجات جاننش میشود. گویا برای آزاد کردن اینس به سراغ لورنزو میرود تا مادر و دختر را به هم برساند. اما همزمان ارتش انگلیس سر رسیده و مردم نیز که از ظلم فرانسویها به تنگ آمده اند، شورش کرده و گماشتگان ناپلئون را میرانند. لورنزو نیز دستگیر و در اختیار ارباب کلیسا که همه آزاد شده اند، قرار داده میشود. پدرا گرگوریو او را به مرگ محکوم میکند. در روز اعدام لورنزو در بالکنی مشرف به میدان آلیسیا را همراه افسری انگلیسی میبیند. و در طرف دیگر میدان اینس پریشان حواس را که کودکی تیم را فرزند خود و او پنداشته و کمر به حفظ او بسته است.

باب در اظهاراتی خواستار آزادی در انتخاب دین و نشان دادن آن در ملاء عام شد و گفت که این حق باید تضمین شود...

باب بندیکت شانزدهم رهبر کاتولیک های جهان تغییر دین توسط افراد را یک حق دانست و گفت که باید از این حق دفاع کرد. به گزارش از روزنامه ایتالیایی "کوریه دل اسر" نوشت، باب در اظهاراتی در جمع تعدادی از نمایندگان مجلس ایتالیا و گروهی از مسیحیان، خواستار آزادی در انتخاب دین و نشان دادن آن در ملاء عام شد و گفت که این حق باید تضمین شود. باب تأکید کرد: آزادی مذاهب شامل حق تغییر دین هم از نظر قضایی و هم ابراز آن در زندگی روزمره میشود. کار دینال "پاول پوپارد" رئیس شورای گفت و گوی مذاهب نیز یادآور شد که در پاکستان هر کس از دین اسلام خارج شود، یک کافر محسوب شده و امکان اعدام وی نیز وجود دارد. وی افزود: در عربستان سعودی نیز اگر کفشی مراسم مذهبی را حتی در اتاق یک هتل برگرداند، در خطر دستگیر شدن قرار میگیرد. باب گفت: نمیتوان خدا را از اذقی بشر و تاریخ کنار گذاشت به همین دلیل باید از آزادی مشترک تمام ادیان حقیقی مبنی بر نشان دادن هویت خود در ملاء عام بدون اینکه مجبور به پنهان کردن آن باشیم، استقبال کنیم. باب همچنین گفت: وقتی به واقعیت بشر نامزاکری میشود و وقتی پایه شناوده مین گذاری میشود، صلح نیز مورد تهدید واقع میشود و حق در خطر قرار میگیرد و بسوی بی عدالتی و خشونت سرازیر میشود. وی افزود: تروریسم معرف یک پدیده وخیم است که معمولاً از خدا استفاده ابرازی میکند و زندگی بشر را بصورت غیر قابل توجهی تحقیر میکند. باید با قاطعیت با آن مبارزه شود. جامعه حق دفاع از خود در برابر تروریسم را دارد، اما با احترام به مقررات اخلاقی و قضایی و فقط بدین صورت میتوان از دموکراسی دفاع کرد.



- Ingredients: (4 servings)
- Basmati or long-grain rice, one pound
 - Chicken, one pound
 - Cooking oil
 - Butter, 2 spoons
 - Barberries (dried), 1/5
 - Almonds, 20 oz
 - Pistachios, 20 oz
 - Raisins, 20 oz
 - Orange peel, 40 oz
 - Sugar, two spoons
 - Large onions, two
 - Saffron, 1/2 teaspoon
 - Salt & Black pepper

Directions: Morasah Polow is an elaborate rice dish which means jeweled rice and is usually made at weddings. Soak rice in warm water for 2 hours. Wash chicken. Peel and thinly slice onions. Fry in oil until slightly golden. Add chicken pieces and fry until color changes. Add a glass of hot water, salt and pepper and cook over medium heat for about 20 minutes. Add more hot water during cooking if necessary. About 1/2 glass of water should be left at the end. Remove chicken bones. Wash barberries and raisins with cold water and drain. Fry separately in oil over medium heat for a few minutes. Add some sugar to barberries during frying. Thinly slice almonds and pistachios. Soak almonds in cold water for an hour. Thinly slice orange peels. Boil for a few minutes, rain and repeat. Soak in cold water for an hour, drain, and repeat. Finally boil for a few minutes with a few spoons of sugar, and drain. Prepare rice using the recipe for polow. When rice is rinsed, pour a bit of oil and hot water in a pot, and add 1/2 of rice. Spread chicken pieces over the rice, and cover with 1/2 of remaining rice. Spread half of almonds and orange peel over rice and cover with remaining rice. Pour chicken-juice and a bit of oil over rice. Dissolve saffron in a bit of hot water and also pour over rice. Cover and cook over low heat for about 30 minutes. Add remainder of almonds and orange peel, raisins, barberries, and pistachios, and mix well. Pour two spoons of melted butter on top, and serve.

از شما دعوت میکنیم تا از وب سایتهای ما دیدن فرمایند

www.IRANforChrist.com
www.SimaMasih.com

THE CHANGE MAGAZINE

A Brief History of Christianity in IRAN

By: Massoume Price,

Both families had served at Jundaishapour University for generations and were instrumental in setting up the Aduji Hospital in Baghdad. Iranian Jews were writing dari (new Persian) in Hebrew characters, Christians used Syriac script to write Persian. The position of non-Muslims varied with time and is shown in the surviving Christian works and chronicles.

John of Damascus (ca. 675-749) and Nestorian Patriarch Timothy I (779-823 or 778-821) are amongst Christian scholars whose works have survived. John wrote the Fount of Knowledge, a massive work that contained a section "On Heresies." In this chapter he views Islam not as a new religion but as a heretical schism from Christianity. He also viewed Islam as a threat, pointing out while writing Fount of Knowledge; a nearby bishop was executed for preaching against Islam. He calls Muslims Ishmaelites and calls the new religion a forerunner of the Antichrist. He concludes that the Christian veneration of the cross is no more an idolatry than the Muslim veneration of the Kabah; and criticizes polygamy practiced by Muslims. Patriarch Timothy's dialogue with Abbasid caliph Mahdi has become a classic. Mahdi asked him how intelligent people like him could believe in God having a son. He coolly agreed that the statement was blasphemy: "Who would say such a thing? "Nevertheless, he continued, "Christ is the Son of God"-not, however, "in the carnal way." And the debate went on for two days. Such literature indicates

Indicates the doctrinal differences between the two, which added to the military and political conflicts created by conquering the entire Eastern Christendom by the Muslims. Conquest of Jerusalem in AD 640 resulted in the control of the holiest Jewish/Christian city by the Muslims and has caused never ending feuds ever since between the Jews, Christians and Muslims. While some sites were preserved other major Jewish and Christian holy sites were occupied to build Mosques and stories about Prophet Muhammad's Ascension (Miraj) in Jerusalem were used to justify such actions. The results were centuries of Crusade wars between European Christians to defend Christendom and Muslim rulers of the area and occupation of the city by the Crusaders in AD1099 and Muslim retake of Jerusalem in 1187. Muslim rule of Christian territories ended missionary works in the area and compelled Christians to expand into India and the orient. Nestorian Church became the dominant one in Iran, though it did not grow in Iran they gained many converts in India and China. Ctesiphon the Persian capital was totally destroyed during the Arab invasion and the Catholicos seat was moved in 762 to Baghdad. The fate of the Christians in the Muslim territories depended on the will and the mood of the ruling Muslim dynasties. While many rulers were tolerant others were harsh and intolerant. At the turn of the millennium the Caliph al Hakim, turned against Christian and Jews, torturing and killing thousands of people (and Muslims too). He forced all Christians to strictly follow the dress code imposed earlier, and to wear a five-pound cross around their neck. He forced Jews to wear a heavy bell around theirs', and dismissed all non-Muslims from administrative offices. Al Hakim turned loose the Egyptian mob to demolish Coptic Churches and Jewish synagogues, walled off a Jewish street, leaving all inside to die of starvation, and also walled and sealed the doors of a public bath for

women, entombing alive all those who were inside. He banned all women from appearing on the streets of Egypt for any reason. At Caliph al Hakim's death, toleration returned, the center of Coptic Christianity shifted from Alexandria to the new capital, Cairo and churches were rebuilt.

The Turkish invasion of Iran and the latter Seljuk and Ghaznavi rule was detrimental to the Christians.

The Turks were fighting Christian Byzantium and suspected Christians in their territories of having affiliations with Byzantium.

The conquest of the eastern territories of Seljuks of Iran by the invading Qara-Khiatai from Northern China made the situation easier for Christians in Balkh and neighboring areas. The Chinese ruler of this group Gur-Khan was a Manichean and as such he had sympathies for Christians, since Manicheans incorporated many Christian elements including Jesus himself in their religion.

On the whole life for Christians was not very different under Turks and all regulations with respect to dhimmis (Zames) were still applied. There were many Christian communities in all the major cities, notably Baghdad and Nishapur.

Benjamin of Tudela who traveled in Iran after the death of Sultan Sanjar, the Seljuk ruler, mentions Christian and Jewish communities throughout the Iranian territories.

TO BE CONTINUED

BREAKING NEWS

Nine Christians killed following accusations of blasphemy in Nigeria

By Michael Ireland Chief Correspondent, ASSIST News Service

KANO, NIGERIA (ANS)

At least nine Christians were killed, and churches set on fire and businesses and homes destroyed in the Tundun Wada area of Kano State, Nigeria, over the weekend. The violence was committed by Muslim youths and followed unspecified allegations that Christians had blasphemed the prophet Mohammed. Christian Solidarity Worldwide (CSW) reports that according to sources on the ground, not a single Christian church, house or business has been left undamaged. Furthermore, an unknown number of people were injured and displaced during the violence. The Christian Association of Nigeria (CAN) has received reports indicating that, in an attempt to disguise the true extent of the violence and injuries, the authorities in Tundun Wada have evacuated Christians and other non-Muslims to neighboring Bauchi State. According to the Kano Chapter of CAN, over 2,000 non-Muslims died during the last bout of violence, which occurred in 2004. Tensions also continue in



the Gwoza area of Borno in the north east of Nigeria where Christians are facing imminent violence from the Al Sunna Wal Jamma group. Also known as the "Taliban" remaining members of Al Sunna Wal Jamma fled into the Cameroon hills in 2004 after a defeat by the Nigerian Armed Forces. Recent events indicate either that it has regrouped, or that it has been reformed by people sympathetic to its aims and objectives. Tensions have reportedly been rising throughout northern and central Nigeria following allegations of blasphemy. Kano is a notoriously volatile state where regular bouts of anti-Christian violence have usually resulted in massacres.

The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.IRANforChrist.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043

Reseda, CA 91337 USA

Jesus Returns

Kids only

The women had told the apostles that Jesus was not there. She told them what the angel had said. The apostles were very surprised. That evening the apostles were eating dinner. The doors were locked. They heard someone say, "Peace be with you." The apostles turned to see who was speaking. It was Jesus! They were so happy. Thomas was a friend of theirs. When they told Thomas what happened, he didn't believe them. Thomas said, "I won't believe it until I see it." Eight days later all the apostles, including Thomas, were there. All the doors were locked. The men were talking. Peace be with you" Jesus said. Thomas was amazed! He believed now. Jesus told him, "You believe because you see. Blessed are those who believe and don't see."

What do you think? Would you have believe?